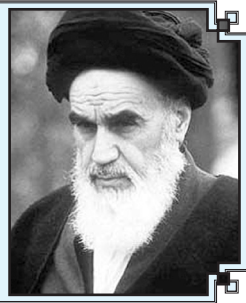


«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



ابعد ناشناخته شخصیت
امام خمینی (ره) در گفتگو
با دکتر شریف لک زایی
فقیه، مفسر،
فیلسوف، عارف،
معلم اخلاق و ...



سال سی و چهارم ♦ شماره ۵ ♦ شماره مسلسل ۱۴۵۲ ♦ نیمه دوم خرداد ماه ۱۳۹۲ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان



چه باید کرد؟
دخالتی در
معقولات!

حجت الاسلام والمسلمین خسرو شاهي
صفحه ۶



در گذشت آیت الله
مدنی تبریزی و
پیام تسلیت مراجع
و رئیس مجلس

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی:

حضرت امام
حسین (ع) اسوه
وحدت اسلامی است

صفحه ۹



استخفاف گناهان
کبیره در اخلاق
سیاسی

آیت الله دکتر محقق داماد
صفحه ۱۰



امام مسجد الاقصی:

مفتی قطر
خائن و دروغگو
است

صفحه ۸



بررسی موانع رشد
فرهنگ در گفت و
گو با علی اکبر اشعری
مدیر پروژه باغ کتاب

صفحه ۱۰

پیام تسلیت حضرات آیات مکارم شیرازی، صافی و رئیس مجلس شورای اسلامی به مناسبت درگذشت حاج رضا انصاریان

حضرت علی بن موسی الرضا علیه آله
التحیه و الثناء را داشت و در درگاه قبله
احرار و سلطان آزادگان حضرت سید الشهداء
علیه الصلاه و السلام عرض ادب و اخلاص
می نمود و در امر تعظیم شعائر دینی و ترویج
و نشر معارف ولایتی همت والا داشت، و الحق
از موالیان دلسوخته حضرت مولی الموالی
امیرالمومنین علیه الصلاه و السلام بود.



پیکر مداح باصفای اهل بیت (ع) و صاحب
نوی آسمانی و ماندگار صلوات خاصه حضرت
علی بن موسی الرضا (ع) حاج رضا انصاریان، با
تشییع باشکوه مردم و با اقامه نماز میت توسط
حضرت آیت الله وحید خراسانی در حرم مطهر
رضوی به خاک سپرده شد. همچنین حضرات
آیات مکارم شیرازی و صافی گلپایگانی فقدان
خادم با اخلاص و ملاح و شاعر اهل بیت علیهم
السلام مرحوم مغفور جناب آقای حاج آقا رضا
انصاریان را تسلیت گفتند.

متن پیام تسلیت حضرت آیت الله مکارم شیرازی به این
شرح است

بسم الله الرحمن الرحيم

فقدان اسفانگیز مداح مخلص و بسیار بالارزش اهل بیت (علیهم السلام)
آقای حاج رضا انصاریان که از مداحان برجسته آستان قدس رضوی بود،
موجب نهایت تأثر گردید. او مردی باتقوا و با اخلاص بود که به محبوبان
خود پیوست و یاد او در خاطرها همچنان باقی خواهد ماند.

این ضایعه مؤلمه را به جامعه مداحان اهل بیت (علیهم السلام) عموماً و
مشهد مقدس و مداحان آستان قدس خصوصاً و خاندان محترم انصاریان
تسلیت عرض می کنم و علو درجات آن فقید سعید و صبر و اجر بازماندگان
را از خداوند متعال مسئلت دارم.

قم - حوزه علمیه

ناصر مکارم شیرازی

متن پیام تسلیت حضرت آیت الله صافی گلپایگانی به این
شرح است

بسم الله الرحمن الرحيم

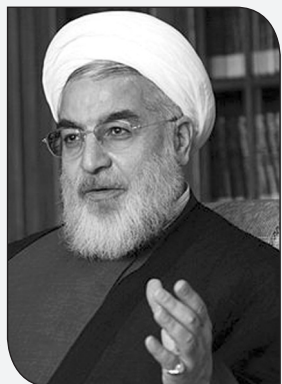
انا لله و انا اليه راجعون

جناب مستطاب آقای حاج محمد تقی انصاریان زید عزه؛ درگذشت خادم
با اخلاص و ملاح و شاعر اهل بیت علیهم السلام مرحوم مغفور جناب آقای
حاج آقا رضا انصاریان موجب تأسف و تأثر فراوان اینجانب گردید.

آن مرحوم که سالهاست خدمتگزاری به آستان ملک پاسبان

با کسب اکثریت مطلق آراء؛ حجت الاسلام دکتر حسن روحانی رئیس جمهور شد

وزیر کشور در نشست خبری در
ستاد انتخابات وزارت کشور با اعلام
نتایج انتخابات نهایی یازدهمین دوره
ریاست جمهوری، از انتخاب حجت
الاسلام حسن روحانی به عنوان
رئیس جمهور با رای اکثریت مطلق
آرای مردم خبر داد.



بر اساس گفته وزیر کشور حجت
الاسلام روحانی با اختصاص ۱۸
میلیون و ۶۱۳ هزار و ۳۲۹ رای و
کسب ۵۰/۷۱ درصد مجموع آرا
به عنوان رئیس جمهوری اسلامی

ایران در دوره یازدهم انتخاب شد. مصطفی محمد نجار افراد واجد شرکت در
انتخابات یازدهم ریاست جمهوری را پنجاه میلیون و ۴۸۳ هزار و ۱۹۲ نفر
اعلام کرد که از این تعداد ۳۶ میلیون و ۷۰۴ هزار نفر در انتخابات شرکت
کرده اند. وزیر کشور با بیان این که ملت ایران با مشارکت ۷۲/۲ درصد در
انتخابات حماسه ای ماندگار خلق کردند، گفت: در مجموع ۳۶ میلیون و ۷۰۴
هزار و ۱۵۶ رای به صندوق ها ریخته شد که از این تعداد ۳۵ میلیون و ۴۵۸
هزار و ۴۷ رای صحیح بوده است.

بر اساس اعلام وزیر کشور در نشست خبری در ستاد انتخابات کشور
آرای سایر کاندیداها به این شرح است:

محمد باقر قالیباف ۶۰۷۷،۲۹۲ رای

سعید جلیلی ۴،۱۶۸،۹۴۶ رای

محسن رضایی میرقائد ۳،۸۸۴،۴۱۲ رای

علی اکبر ولایتی ۲،۲۶۸،۷۵۳ رای

سید محمد غرضی ۴۴۶،۰۱۵ رای

بیوگرافی هفتمین رئیس جمهور ایران

حجت الاسلام دکتر حسن فریدون روحانی منتخب مردم ایران در
یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۲۱ آبان ۱۳۹۲ در سرخه از توابع
استان سمنان دیده به جهان گشود؛ وی تحصیلات ابتدایی را در شهرستان
محل تولدش گذراند و تحصیلات حوزوری را از سال ۳۹ در حوزه علمیه
صادقیه سمنان آغاز کرد.

او در سال ۱۳۴۰ وارد حوزه علمیه قم شد و از محضر اساتیدی چون
حضرات آیات سید محمد محقق داماد، شیخ مرتضی حائری، سید محمد رضا
گلپایگانی، محمد فاضل لنکرانی، شیخ محمد شاه آبادی و سلطانی بهره برد.
دکتر روحانی همزمان در سال ۱۳۴۸ به دانشگاه تهران راه یافت و در سال
۱۳۵۱ دانشنامه لیسانس خود را در مقطع کارشناسی در رشته حقوق قضایی
اخذ کرد.

وی با ادامه تحصیل در انگلیس مدرک کارشناسی ارشد (M.Phil) در
رشته حقوق عمومی و دانشنامه دکتری (Ph.D) در رشته حقوق اساسی را از
دانشگاه کلدونیان گلاسکو دریافت کرد و با کسب پروانه و کالت از کانون و کلا
در سال ۸۶ وکیل پایه یک دادگستری شد.

آقای روحانی فعالیت سیاسی خود علیه رژیم ستمشاهی را از دوران جوانی
آغاز کرد؛ عمده فعالیت های وی در همراهی با نهضت امام خمینی (ره)،
سفرهای تبلیغاتی و سخنرانی علیه رژیم پهلوی از سال ۴۴ و نتیجه آن حبس
و ممنوع المنبری بود.

وی در آبان ۱۳۵۶ در مراسم بزرگداشت شهادت مصطفی خمینی در مسجد
ارک تهران برای نخستین بار لقب «امام» را برای بنیانگذار جمهوری اسلامی
ایران به کار برد و پس از آنکه تحت تعقیب ساواک قرار گرفت، به توصیه
شهید بهشتی و استاد مطهری از کشور خارج شد و مدتی نیز آن سوی مرزها
به سخنرانی و تبلیغ برای دانشجویان خارج از کشور پرداخت و پس از تبعید
حضرت امام (ره) به فرانسه، به جمع یاران همراه ایشان پیوست.

ادامه در صفحه ۱۲

سوم شعبان المعظم ۱۴۳۴

لطف الله صافی

رئیس مجلس:

او سهم فراوانی در اظهار ارادت مومنان به خاندان
عصمت داشت

دکتر علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در پیامی که ایسنا آن را
گزارش کرده آورده است: «درگذشت جناب آقای حاج رضا انصاریان خادم بارگاه
امام هشتم و صاحب نغمه دلنشین و ماندگار صلوات خاصه امام رضا (ع) موجب
تأسف و تأثر شد. آن مرحوم در تمام طول عمر خویش در خدمت اهل بیت (ع)
و سال ها نیز در جوار حرم مطهر حضرت ثامن الحجج (ع) به خدمت زائران و
عاشقان امام هشتم اهتمام ورزیدند که با نواهای معنوی خویش در قرائت روضه
ها، زیارت نامه ها، ادعیه و هم چنین مرثیه سرایی در رثای ائمه (ع) سهم فراوانی
در اظهار ارادت و شیفتگی همه مومنان به خاندان عصمت و طهارت داشتند. این
جانب از سوی خود و نمایندگان مجلس شورای اسلامی این مصیبت را به همه
مردم شریف ایران و به ویژه خادمان مجموعه آستان قدس رضوی و خانواده
محترم حاج رضا انصاریان تسلیت می گویم و برای روح بلند ایشان رحمت و
مغفرت و برای بازماندگان صبر و اجر از درگاه خداوند متعال مسئلت می کنم.»

حضرت امام خمینی(ره) در نامه به فرزندان ضمن برتری دادن به لسان انبیاء و اولیای خاص و اصحاب دل به اصحاب براهین و فلسفه می‌گویند: «و آنچه گفتیم به آن معنا نیست که به فلسفه و علوم برهانی و عقلی نپرداز و از علوم استدلالی روی گردان که این خیانت به عقل و استدلال و فلسفه است، بلکه به آن معنی است که فلسفه و استدلال، «راهی» است برای وصول به مقصد اصلی و نباید تو را از مقصد و مقصود و محبوب محجوب کند.» امام در برابر کسانی که فلسفه اسلامی را به دلیل ریشه یونانی مورد انتقاد قرار می‌دادند، این نقد را به دلیل کم‌اطلاعی و بی‌اطلاعی می‌دانند و حکمت و فلسفه اسلامی به ویژه حکمت صدرایی را بهره‌مند از نور قرآن و حدیث می‌دانند و بین حکمت اسلامی و یونانی فاصله بسیار قائل هستند؛ بنابراین حکمت اسلامی در دیدگاه امام(ره) نه تنها مخالف قرآن (یعنی وحی) نیست بلکه همراه و پرورش یافته در دامن کتاب و سنت است. نکته جالب توجه این است که ابعاد علمی خصوصا ابعاد فلسفی شخصیت امام در سایه شخصیت سیاسی ایشان قرار گرفته و اکثر مردم از این امور آگاهی و اطلاعی ندارند. در گفت‌وگوی تهران امروز با دکتر شریف لکزی، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ابعادی از شخصیت فلسفی ایشان مورد توجه قرار گرفته است که در ادامه می‌خوانید.

*** حضرت امام خمینی(ره) برای همه مردم ایران و جهان شناخته شده هستند و هر ساله خصوصا در سالگرد رحلت ایشان، در مورد آرا و اندیشه‌ها و شخصیت ایشان صحبت می‌شود تا نسل‌های جوان ایشان را بهتر بشناسند. به نظر شما چه ابعادی از شخصیت ایشان هنوز ناشناخته باقی مانده است؟**

بحثی که معمولا در مورد حضرت امام(ره) مغفول واقع شده و امام(ره) در این قسمت به نوعی مظلوم است، این است که امام(ره) فیلسوف بوده و از منظر فلسفه، بسیاری از بحث‌ها را نگاه می‌کرده است و مبنای اندیشه ایشان همین مباحث فلسفی و بنیاد فلسفی است که داشته است. برای بسیاری از مردم شاید این امر سنگین باشد یا اصولا قابل پذیرش نباشد که حضرت امام(ره) فیلسوف است. در صورتی که این واقعیتی است که نمی‌توان از کنار آن به سادگی عبور کرد. به هر حال امام(ره)، اندیشمندی است که در حکمت متعالیه نشو و نما پیدا کرده و اندیشه ایشان از این حکمت سیراب شده است، حتی عرفان امام(ره)، عرفانی است که در حکمت متعالیه ترسیم می‌شود و در این حکمت به بار می‌نشیند. افزون بر اندیشه و محتوای نظام فکری ایشان، نوع نگاه ایشان حتی به صدرالمتهلین به عنوان موسس حکمت متعالیه هم نشان می‌دهد که ایشان چه علقه و وابستگی به ملاصدرا دارد. همانطور که مستحضر هستید آثار ایشان بخصوص آثار اخلاقی ایشان مانند «شرح چهل حدیث»، «شرح جنود عقل و جهل» و حتی کتاب کلامی ایشان مثل «طلب و اراده» یا حتی تقریر بخشی از بحث‌های ایشان که با عنوان «لب‌الائثر» منتشر شده و مباحث دیگری از این دست حتی «سرالصلوة» و «آداب‌الصلاة» به نوعی حکمی و فلسفی تلقی می‌شوند. البته درست است که این آثار اخلاقی و عرفانی است، اما آثار اخلاقی و عرفانی امام(ره) در دل آثار حکمی ایشان قرار دارد؛ یعنی از حکمت ایشان جدا نیست و نخواهد بود، چون نوع نگاه حکیم حکمت متعالیه اینها را در کنار خود دارد، یعنی حکمت متعالیه سرشار از مباحث اخلاقی و عرفانی و کلامی است؛ ضمن اینکه این حکمت بر فقه هم تأثیر می‌گذارد و می‌تواند فقه را از رکودی که ممکن است به آن مبتلا شود نجات دهد و نوعی پویایی به آن ببخشد. اینها را در همه آثار امام(ره)؛ آثار اخلاقی، عرفانی، حکمی و فلسفی ایشان می‌بینیم. ضمن اینکه تقریرات فلسفه ایشان در بحث «اسفار» و «شرح منظومه» منتشر شده و می‌توان به صورت خاص‌تری

این مباحث را مورد توجه و تأمل و بررسی قرار داد تا منظومه فلسفی امام(ره) را ارائه کنیم.

*** گفتید که ایشان علقه و وابستگی به ملاصدرا دارند. باتوجه به فضای غالب حوزه و جامعه به فلسفه در آن زمان که مخالف فلسفه بودند، این نگاه ناشی از چه معرفت و استدلالی است؟**

حضرت امام(ره) ارادت خاصی نسبت به شخص ملاصدرا دارند و از ملاصدرا به‌عنوان بزرگ‌ترین فیلسوف الهی و موسس قواعد الهیه و مجدد حکمت مابعدالطبیعه یاد کرده است. این تعابیر، تعابیر بلندی است. تعابیری نیست که امام(ره) نسبت به ایشان و در مورد شخصیت این مرد بزرگ تعارف کرده باشد. ایشان در «کشف الاسرار»، جمله‌ای دارد که بحثی که عرض کردم متناخ از آنجاست. ایشان در «کشف الاسرار» می‌فرماید: «محمد بن ابراهیم شیرازی بزرگ‌ترین فلاسفه الهی و موسس قواعد الهیه و مجدد حکمت مابعدالطبیعه. او اولین کسی است که مبدا و معاد را بر یک اصل بزرگ خلل‌ناپذیر بنا نهاد و اثبات معاد جسمانی با برهان عقلی کرد و خلل‌های شیخ‌الرئیس را در علم الهی روشن کرد و شریعت مطهره و حکمت الهیه را با هم ائتلاف داد. ما با بررسی کامل دیدیم هر کس درباره او چیزی گفته از قصور خود و نرسیدن مطالب بلندپایه اوست.» این عبارت ضمن تجلیل از ملاصدرا معتقد است که ایشان بحث مبدا و معاد را به‌گونه‌ای بنا نهاده است که می‌تواند خلأها و خلل‌هایی که در نظریه ابن‌سینا وجود دارد را برطرف کند و شریعت و حکمت را به نوعی با هم ارتباط دهد و این دو را با هم سازگار کند و مهم‌تر اینکه ایشان به نقد کسانی می‌پردازد که در مورد ملاصدرا چیزی گفتند، البته ممکن است مراد امام(ره) نقدهای علمی نباشد بلکه نقدهایی را شامل شود که یا از ادب فراتر گذاشتند و نسبت به ملاصدرا اسائه ادب کردند. حتی اگر بحث‌های علمی هم مراد امام(ره) باشد. ایشان می‌گوید اینها که به نقد ملاصدرا پرداختند حرف ملاصدرا را نفهمیدند و نتوانستند به مطالب بلند ایشان برسند. به هر حال این، نکته مسلم و مهمی است که امام(ره) از فیلسوفی مانند ملاصدرا به‌عنوان فیلسوف محبوب خود یاد می‌کند.

*** این نگاه امام(ره) به ملاصدرا با توجه به مخالفت‌هایی که اخیرا توسط عده‌ای از ملاصدرا و فلسفه او شده، جالب است!**

البته عناوین دیگری هم نسبت به ایشان به کار می‌گیرند مانند صدرالحکمای متهلین و شیخ‌العرفاء الکاملین یا شیخ‌العرفاء السالکین یا شیخ‌العرفاء الشامخین. وقتی آثار امام(ره) را مطالعه می‌کنیم نامه معروف ایشان به گورباچف - صدر هیات رئیسه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - را ملاحظه می‌کنیم که تاکید دارند حکما و فلاسفه این کشور به حکمت متعالیه رجوع کنند. این دعوت را ایشان در این نامه به عمل می‌آورد و می‌گوید از اساتید بزرگ خودتان بخواهید که به حکمت متعالیه صدرالمتهلین مراجعه نمایند. کسی که این نامه را می‌برد و در آنجا برای گورباچف تفسیر و تبیین می‌کند، خود یک حکیم حکمت متعالیه است؛ یعنی نماینده امام(ره) در این دعوت و نامه‌رسانی و پیام‌رسانی شخصیتی مثل آیت‌الله جوادی‌آملی است که خود فیلسوف متعالیه است و می‌تواند حرف امام(ره) را بفهمد و تبیین کند. اینکه امام(ره) در چه دستگاهی صحبت و فکر می‌کند و این نامه را می‌نویسد و این دعوت را انجام می‌دهد توسط شخصیت بزرگواری مثل ایشان قابل تبیین و تفسیر است و این دعوت توسط ایشان به‌عمل می‌آید. البته تردیدی نیست با این شواهدی که در آراء و آثار امام(ره) وجود دارد ایشان حکیم، فیلسوف و کسی است که در دستگاه حکمت متعالیه تلمذ، تفکر و تأمل و تدریس می‌کند و آراء و افکار ایشان تحت تأثیر این فلسفه است. البته این تأثیر تنها به این تفکر حکمی محدود و محصور نمی‌ماند و وارد عرصه عمل هم می‌شود.

ابعاد ناشناخته شخصیت امام خمینی (ره) در گفت و گو با دکتر شریف لک زایی

فقیه ، مفسر، فیلسوف، عارف ، معلم اخلاق و ...



*** برخی از کارشناسان انقلاب اسلامی را هم محصول حکمت متعالیه می‌دانند، نظر شما در این ارتباط چیست؟**

بله! مسلمان. از همین نگاه و منظر بر این نظر هستیم که پشتوانه فلسفی انقلاب می‌تواند همین فلسفه باشد و امام(ره) با دستمایه قرار دادن حکمت متعالیه به شرح و تفسیر عملی حکمت متعالیه می‌پردازد و در صدد عملیاتی کردن نظام سیاسی بر می‌آید که در حوزه دانشی ما از آن به‌عنوان حکمت سیاسی متعالیه یاد می‌کنیم که در این موقع، فقه ایشان هم متأثر از همین مسئله می‌شود. حکمت متعالیه از دوره صدرالمتهلین تا دوره امام(ره) سیر مشخصی را طی کرده تا به عرصه عمومی و سیاسی رسیده است و این سیر نشان می‌دهد که حکمت متعالیه از بعد علمی و تئوریک و نظری به بعد عملی و سیاسی و اجتماعی تکوین و تعالی پیدا کرده است. امام(ره) با توجه به الزامات و اقتضائات جامعه و پرسش‌ها و نیازهایی که در دوره معاصر در جامعه و در سطح افکار علمی مطرح بوده برای ورود حکمت متعالیه به عرصه عینی و اجتماعی و سیاسی برنامه‌ریزی می‌کند، می‌تواند به این حکمت در عرصه اجتماعی ظهور و عینیت ببخشد که البته ما معتقدیم این همان سفر چهارم عرفانی ایشان است که در سفر چهارم، عارف با حضور در بین جامعه به تکمیل سفر خود می‌پردازد و دست خلق را می‌گیرد تا آنها را ارتقا دهد. عبور عارف از این مرحله هم جز با حضور در بین جامعه و خلق ممکن نیست و به هر حال با توجه به ظرفیت‌های وجودی، عارف و حکیم می‌تواند جهت تحقق ابعاد سیاسی عینی و عملی حکمت متعالیه هم حرکت کند و حضرت امام(ره) این کار و وظیفه را انجام می‌دهد.

*** فقاقت و مرجعیت در این نقش چه جایگاهی دارند؟**

نکته بسیار مهم آن است که امام از فقاقت و مرجعیت هم بسیار بهره می‌گیرد یعنی آن چیزی که سفر چهارم امام(ره) در جامعه را عینیت می‌بخشد، عرصه فقاقت و مرجعیت ایشان است که به نظر می‌رسد بسیاری از حکمای حکمت متعالیه فاقد این عرصه بودند و از این رو نتوانستند در این عرصه گام بگذارند؛ بخصوص صدرالمتهلین. صدرالمتهلین به رغم اینکه فقیه است و در حوزه دانش اسلامی شیعی تحصیل کرده است، اما عمر ایشان کفاف نمی‌کند تا در سفر چهارم، به صورت جامعی وارد شود؛ اگرچه در مرحله تدریس و شاگردپروری و نیروسازی شروع می‌کند و در شیراز این اقدام را انجام می‌دهد اما با توجه به عمر کوتاهی که داشت (نسبت به حضرت امام(ره)) در این مرحله به صورت کامل امکان ورود ندارد، ضمن اینکه شرایط اجتماعی این دو بزرگوار البته متفاوت است ولی به نظر می‌رسد استفاده از فقاقت و مرجعیت می‌تواند ارتقا بخشیده شود و حکمت متعالیه می‌تواند شریعت و حکمت را با هم سازگار کند.

*** دیگر ویژگی‌های شخصیتی حضرت امام(ره) مانند عرفان و مفسر قرآن هم نشأت گرفته از حکمت متعالیه است؟ شما در بخش قبلی به عرفان حکمت متعالیه اشاره‌ای داشتید!**

بله! عرفان، وجه متمایز حکمت متعالیه از سایر حکمت‌هاست. در سایر حکمت‌ها، عرفان را نمی‌بینیم و حتی اگر وجود دارد در دستگاه فکری و فلسفی وجود و حضور ندارد. این تمایز در حکمت متعالیه رنگ می‌بازد و به هر حال عرفان وجه مختصه و مشخصه حکمت متعالیه از سایر حکمت‌هاست که مباحث سیاسی

امام(ره) و عملی و حرکت انقلابی ایشان، رنگ و بوی عرفانی پیدا کرده است. ضمن اینکه البته باید تاکید کنیم که امام(ره)، مفسر قرآن کریم هم هست. باز این خاصیت و ویژگی فیلسوف متعالیه است که مفسر قرآن هم تلقی می‌شود. ملاصدرا، علامه طباطبایی، حضرت امام(ره)، علامه جوادی آملی مفسران بزرگی هم بودند یعنی از قرآن هم بهره‌های بسیار خوبی بردند. قرآن، عنصر جدایی‌ناپذیر از حکمت و دستگاه فکری و فلسفی متعالیه است. تاکید می‌کنم امام(ره) قبل از اینکه فقیه و مرجع تقلید شیعیان جهان باشد، فیلسوف، عارف، مفسر قرآن و معلم اخلاق است. باید روی این موضوع تاکید و اشاره کرد که طبیعتا این ابعاد باید تقویت شود و ما راجع به این ابعاد صحبت کنیم و آثار، اندیشه و نگاه امام(ره) را به مسائل اجتماعی از این منظر موردتوجه و ملاحظه قرار دهیم.

*** اخیرا در گفت‌وگویی با آیت‌الله غرویان، ایشان معتقد بود امام خمینی(ره) با تبیین ولایت فقیه به حکمت متعالیه عینیت سیاسی- اجتماعی بخشید. نظر شما در این ارتباط چیست؟**

به نظر این گونه است. به تعبیر آیت‌الله جوادی‌آملی با بحثی که امام(ره) در بحث ولایت فقیه دارد، آن را از حوزه فقه خارج و به حوزه کلام وارد می‌کنند. به نظر می‌رسد باید این تاکید را داشته باشیم که نه تنها این بحث را به حوزه کلام می‌رساند بلکه به حوزه حکمت می‌رساند که بالاتر از کلام است؛ یعنی امام(ره) در مباحث ولایت فقیه بیش از اینکه به مباحث نقلی و فقهی تاکید کند بر مباحث عقلی تاکید می‌کند و مبحث ولایت فقیه را اولاً مسئله‌ای عقلی می‌داند. حال برای اینکه این بحث را تقویت کند به عنوان شاهد به مباحث دیگری که می‌تواند نقلی یا فقهی تلقی شود، هم استناد می‌کند. از طرف امام(ره) این بحث عقلی تصویر و تصور می‌شود، که اگر اینگونه شود نگاه حکمی متعالی است یعنی جایگاه را هم نشان می‌دهد و نقشی که باید این جایگاه داشته باشد را تبیین و بیان و در جامعه مطرح می‌کند. به نظرم این تصور درست است. رمز موفقیت امام(ره) این است که این بحث را ارتقا می‌بخشد؛ یعنی گذشته از محتوایی که امام(ره) مورد بحث قرار می‌دهد ولی ارتقای بحث از مسئله نقلی و فقهی و روایی به مسئله عقلی و فکری و فلسفی، نقطه تحول و دگرگونی عظیمی است که به نظر می‌رسد به لحاظ نظری و عینی هم در جامعه فکری و هم جامعه علمی و هم در جامعه انقلابی ما به وجود آمده و ما می‌توانیم آثارش را ملاحظه کنیم.

*** کدام یک از ابعاد وجودی حضرت امام(ره) مانند فیلسوف، حکیم، عارف، فقاقت و مرجعیت اولویت و برتری دارد؟ بر اساس حکمت متعالیه ولی فقیه باید دارای چه ابعادی باشد؟**

نگاه آیت‌الله جوادی‌آملی به ولی فقیه و ولایت فقیه از منظر حکمت متعالیه این است که ولی فقیه حکمت متعالیه اولاً حکیم است. در مرتبه‌ای حکمت تقدم دارد. در مباحثی که در بحث سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه در خدمت ایشان بودیم، ایشان این مسائل را فرمودند که به ارتقای بحث کمک کرد یعنی تصریح کردند و این تصریح از این جهت برای ما مهم است که یک حکیم حکمت متعالیه آن را مطرح کرده است. بنابراین ولی فقیه مورد نظر حکمت متعالیه اولاً باید حکیم باشد. ایشان در مباحث مختلفی این را تکمیل می‌کنند و می‌فرمایند: ولی فقیه حکمت متعالیه باید عارف هم باشد یعنی باید هم حکیم و هم عارف باشد، البته نمی‌تواند از فقه و فقاقت هم بی‌نیاز باشد. اینجا نگاه سه لایه‌ای وجود دارد که هم سطح عقلی را در نظر می‌گیرد و هم سطح خیال را مدنظر قرار می‌دهد و هم مباحث حسی و فقهی و تجربی را لحاظ می‌کند. از این رو مراتب سه گانه‌ای را باید در بحث لحاظ کرد که البته نگاهی جامع به این مسئله است و به نوعی همه مراتب و درجات را با هم و یکجا می‌بیند.

درگذشت عالم ربانی فقیه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام آیت‌الله آقای حاج سید یوسف مدنی تبریزی قدس سره را با کمال تأسف و تأثیر دریافت نمودم.

آن عالم بزرگوار سالیان درازی در حوزه علمیه قم مشغول تدریس و تألیف بوده و آثار ارزشمندی در حوزه فقه از خود به یادگار نهاده است که در حقیقت حیات جدیدی برای آن فقیه سعید به شمار می‌رود.

اینجانب این ضایعه را به محضر حضرت ولیعصر (عج) و مراجع عظام و علمای اعلام و تلامذہ آن فقیه سعید بالاخص به بیت معظم له تسلیت گفته و خداوند متعال به همگان صبر جمیل و اجر جزیل عطا فرماید.

عاش سعیدا و مات سعیدا

حوزه علمیه قم / جعفر سبحانی - ۹۲/۳/۲۶

* متن پیام رئیس مجلس به شرح ذیل است:

«درگذشت آیت‌الله سید یوسف مدنی تبریزی از اساتید حوزه علمیه قم موجب تأسف و تأثر گردید. ایشان شخصیتی فاضل، بااخلاق و دارای سجایای اخلاقی درخشان بودند و علوم دینی را در محضر اساتید بزرگ فرا گرفتند و همواره با زهد و تقوا و بی‌ربغیت به امور دنیوی زندگی را سپری کردند.

اینجانب از سوی خود و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ارتحال این عالم ربانی را به پیشگاه حضرت بقیه‌الله الاعظم (ارواحنا فداه)، حوزه محترم علمیه قم و بیت مکرّم ایشان تسلیت گفته، برای آن مرحوم غفران و رحمت الهی و برای بازماندگان صبر و اجر از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌کنم.»

درگذشت آیت‌الله مدنی تبریزی و پیام تسلیت مراجع و رئیس مجلس

بدین شرح است:

«انا لله و انا الیه راجعون ارتحال عالم ربانی، فقیه اهل البیت علیهم السلام حضرت آیت‌الله آقای حاج سید یوسف مدنی تبریزی رضوان الله تعالی علیه موجب تأسف و تأثر گردید.

آن فقیه و مرجع بزرگوار از استوانه‌های بزرگ علمی و معنوی حوزه‌ی علمیه‌ی قم بودند که سالیان متمادی عمر پربرکت خود را در نشر و ترویج معارف نورانی اهل البیت علیهم السلام، با تألیفات کتاب‌های ارزشمند و گرانسنگ در فقه و اصول و با تدریس خارج و تربیت فضلا و طلاب سپری نمود. ایشان با اخلاص تمام در خدمتگزاری به آستان ملک پاسبان مولای خود حضرت بقیه‌الله الاعظم ارواح العالمین له الفدا افتخار خدمت داشت و تشنگان فضیلت و کمال را از چشمه‌ی جوشان حقایق قرآنی و معارف ولایی سیراب می‌نمود.

ارتحال این فقیه عالقدر ثلمه‌ای بزرگ برای حوزه‌های علمیه می‌باشد که لایسدها شیء. حقیر این ضایعه‌ی بزرگ را به ساحت مقدس حضرت بقیه‌الله الاعظم ارواح العالمین له الفدا و به حوزه‌های علمیه و علمای اعلام و مردم شریف آذربایجان و به ویژه به بیت شریف ایشان و آقازاده‌های محترم و وابستگان مکرّم تسلیت گفته واز خداوند متعال مزید رحمت و مغفرت برای آن فقیه عالی‌مقام و برای بازماندگان محترم

صبر جمیل و اجر جزیل مسألت دارم. هفتم شعبان المعظم ۱۴۳۴ لطف الله صافی»

متن پیام حضرت آیت الله سبحانی بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا الیه راجعون



آیت‌الله مدنی تبریزی از اوائل طلبگی تالیفات مختلفی در موضوعات مختلف علمی و اخلاقی داشته است. یکی از ویژگی‌های بارز او این بود که با توجه به مشغول بودن در حوزه فتوا و امور تحقیق اندکی از تألیف باز نماند. امتیاز آثار علمی او، ابتکار در قواعد علمی و تفهیم علوم است.

از جمله کتاب‌های برجسته او کتاب‌های قواعدالاصول، الفوائدالقمیه، درالفوائد فی شرح الفرائد و منهاج‌الاحکام بوده است. همچنین برخی از کتاب‌های او نیز تاکنون به چاپ نرسیده است.

کتاب قواعدالاصول یکی از آثار برگزیده او است که در آن ۱۱۵ قاعده اصولی در مباحث عقلیه بررسی شده است. کتاب الفوائدالقمیه که در اطراف مسائل عبادی سخن گفته است و منبع خوبی برای محصلین علوم دینی است.

کتاب منهاج‌الاحکام؛ احکام نکاح و طلاق را مورد بررسی قرار داده است که این کتاب پنج مرتبه تجدید چاپ شده است. این کتاب با توجه به اینکه یک کتاب استدلالی محکم در فقه اسلامی است و به عنوان یک کتاب درسی در برخی از حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود. در پی درگذشت این عالم فقیه دکتر علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی و آیت الله صافی گلپایگانی درگذشت وی را تسلیت گفتند.

* پیام تسلیت حضرت آیت الله صافی گلپایگانی

آیت الله یوسف مدنی تبریزی به دلیل بیماری و کهنسنت سن در بیمارستان شهید آیت الله بهشتی قم دارفانی را وداع گفت. آیت‌الله یوسف مدنی تبریزی سال ۱۳۰۷ در شهر تبریز متولد شد. پدر او که

از ثروتمندان بازار بود، او را روانه مدرسه

دولتی کرد. وی در ۱۶ سالگی با حمایت و راهنمایی پدرش وارد حوزه علمیه تبریز شد و هشت سال را با جدیت به یادگیری ادبیات عرب پرداخت تا اینکه خود مدرس ادبیات عرب شد.

او علوم فقه و اصول را تا حد کفایه‌ی الاصول در شهر تبریز نزد اساتید معروف و نامی آن عصر فرا گرفت و به عنوان استاد ادبیات شاگردانی را نیز تربیت کرد.

آیت‌الله مدنی تبریزی سپس برای ادامه تحصیلات دینی خود عازم شهر قم شد و در جوار کریمه اهل بیت (س) تحصیلات خود را ادامه داد.

او با شروع تحصیل در قم از سطوح عالی در محضر اساتید معروف به تدریس ادامه داد و در رشته‌های مختلف علوم دینی شاگردانی را تربیت کرد. او در همان ایام جوانی شرح مطولی را بر مطول می‌نویسد که مورد استقبال علما و اساتید قرار گرفت.

آیت‌الله مدنی تبریزی در محضر مراجعی همچون آیات عظام بروجردی، محقق داماد و امام خمینی به تحصیل مدارج بالای علوم دینی پرداخت و با جدیت مشغول تحصیل، تدریس و تألیف شد.

او از دوران جوانی مشغول تدریس و نوشتن بوده و بیش از ۶۰ سال را در شهر مقدس قم در جوار کریمه اهل بیت حضرت معصومه (س) به تدریس و تألیف کتاب‌های متعدد پرداخت.

پیام تسلیت آیت‌الله موسوی اردبیلی

در پیام تسلیت آیت‌الله موسوی اردبیلی هم آمده است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

اناالله و اناالیه راجعون

رحلت عالم ربانی آیت‌الله سیدجلال‌الدین طاهری اصفهانی موجب تأسف و تأثر بسیار گردید. سوابق مجاهدت و مراتب علمی آن فقیه و نقش ارزنده او در هدایت مردم فراموش شدنی نیست. اینجانب این ضایعه را به علمای اعلام و مردم شریف اصفهان و حوزه‌های علمیه و بازماندگان و بیت محترم و همه علاقمندان آن مرحوم تسلیت عرض نموده علو درجات و مغفرت واسعه الهی را برای ایشان مسألت دارم.

سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

پیام تسلیت آیت‌الله مظاهری

آیت‌الله مظاهری رئیس حوزه علمیه اصفهان به مناسبت ارتحال آیت‌الله سیدجلال‌الدین طاهری اصفهانی امام جمعه پیشین اصفهان پیام تسلیتی به شرح زیر صادر کرد.

بسم‌الله الرحمن الرحيم

اناالله وانا الیه راجعون

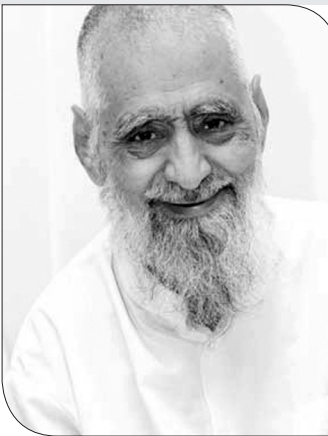
ارتحال حضرت آیت‌الله آقای حاج سید جلال‌الدین طاهری «رضوان الله علیه» را به همه خاندان و مصاب، خصوصاً به بیت و فرزندان محترم و نیز به شاگردان و علاقه‌مندان به ایشان تسلیت می‌گویم. این عالم فقیه در زمره علماء مبزّری بودند که از اوان نهضت اسلامی امام راحل عظیم الشان «قدس‌سره‌الشریف» در صف مبارزه با رژیم طاغوت ستمشاهی وارد شده و در این راه، مراتبها و رنج‌های متعددی را متحمل گردیدند و پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی نیز در منصب نمایندگی آن امام عزیز در استان اصفهان و امامت جمعه اصفهان، خدمات متعددی را به انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و حوزه علمیه اصفهان تقدیم نموده و از جمله علاوه بر حضور مکرر در جبهه‌های دفاع مقدس، فرزند برومند خود را نیز به اسلام و انقلاب اسلامی تقدیم داشتند و اینک پاداش و اجر معنوی این زحمات و خدمات، در محضر خداوند کریم و منان، موجب جلب رضوان الهی برای ایشان خواهد بود. ان‌شاءالله‌از خداوند متعال علو درجات ایشان و صبر و اجر همه بازماندگان را مسألت می‌کنم.

حسین‌المظاهری

۲۲ رجب المرجب ۱۴۳۴

درگذشت آیت الله سید جلال الدین طاهری اصفهانی

خانه او حمله کنند. آیت‌الله طاهری و با دست و چشم بسته، به سرعت به کمیته ضدخوابکاری اصفهان و از آنجا به تهران منتقل می‌شود. فردای دستگیری آیت‌الله طاهری، بازارها بسته، تظاهرات و اجتماعات مردم بیشتر می‌شود. ساواک شرط آزادی آقای طاهری را اظهار ندامت ایشان قرار می‌دهد، اما آقای طاهری زندان را به پذیرش این شرط ترجیح می‌دهد. پس از



شدیدترین عکس‌العمل‌ها در سطح کشور از مسجد اعظم حسین‌آباد آغاز و مجالس یادبودی به یاد او برگزار شد. منابر انقلابی و اعتراضی آیت‌الله طاهری تا آبان‌ماه سال ۵۶ ادامه یافت. پس از شهادت حاج سیدمصطفی خمینی اولین مجلس ترحیم در اصفهان توسط آیت‌الله طاهری در مدرسه صدر بازار برگزار شد. درنهایت تحمل فعالیت‌های آزادی‌خواهانه آیت‌الله طاهری برای ساواک

غیرممکن شد و همزمان با آغاز سال ۱۳۵۷، او را به کردستان تبعید کردند. در ایام تبعید آیت‌الله طاهری به کردستان، در اصفهان هر روز تظاهراتی برپا بود و مردم همه هفته روزهای جمعه، در مسجد اعظم حسین‌آباد اجتماع و شاگردان آیت‌الله طاهری سخنرانی می‌کردند، مردم با شعارهای خود، آزادی آقای طاهری را می‌خواستند. درنهایت در اثر فعالیت بسیار دوستان آقای طاهری، مجدداً برای ایشان دادگاهی تشکیل می‌شود و تبعید دوساله آقا را به سه ماه تقلیل می‌دهند. مردم اصفهان تصمیم گرفتند هنگام ورود آیت‌الله طاهری تجلیل شایسته‌ای از ایشان به عمل آورند که خود تظاهراتی علیه رژیم بود و حمایتی از انقلابیون. روز ۵۷/۳/۲۸ مردم تا ۱۰ کیلومتری شهر اصفهان برای استقبال رفتند و با تجلیل و تعظیم بسیار او را تا مسجد اعظم حسین‌آباد آوردند.

روزنامه‌ها جمعیت مستقبیان آیت‌الله طاهری را صد‌ها هزار نفر تخمین زده بودند. استقبال باشکوه مردم اصفهان از آیت‌الله طاهری و دوباره دایر شدن نمازهای جماعت و سخنرانی‌های او باعث شد روز ۵۷/۵/۱۰ ماموران ساواک و شهربانی به

چندی ساواک آقای طاهری را شبانه آزاد می‌کند تا از تکرار مراسم استقبال مردم از او جلوگیری کند. ولی کم‌کم مردم متوجه و به طرف خانه ایشان هجوم می‌آورند. آقا هم به استقبال آن‌ها می‌رود و برای آن‌ها سخنرانی می‌کند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی آیت‌الله طاهری در انتخابات مجلس خبرگان در سال ۱۳۵۸، رای اول استان اصفهان را که نزدیک به دومیلیون بود، به دست آورد و در مجلس خبرگان اول نقش فعالی در تدوین قانون اساسی داشت. او در انتخابات میان‌دوره‌ای دوره سوم خبرگان، باز هم بیشترین رای را آورد. روز سوم آبان ۱۳۵۸ مجدداً از طرف امام‌خمینی حکم امامت جمعه اصفهان برای ایشان صادر و ابلاغ شد، در صورتی که نمازجمعه در اصفهان هیچ‌گاه و در هیچ شرایطی تعطیل نشده بود.

آیت‌الله طاهری امام‌جمعه و نماینده ولی‌فقیه در اصفهان و نماینده استان اصفهان در مجلس خبرگان قانون اساسی و همچنین مجلس خبرگان رهبری بود و تا آخرین روز حیاتش از روحانیون هودار اصلاحات به شمار می‌رفت.

اشاره

آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی فیض گیلانی در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی در یکی از روستاهای لاهیجان و در میان خانواده‌ای متدین به دنیا آمد. تحصیلات خود را از مکتب‌خانه شروع کرد و پس از به پایان بردن آن به دبستان رفت. در دبستان به‌دلیل هوش سرشار و توانایی بسیار، مورد استقبال معلمان قرار گرفت و با تصمیم آنان تحصیلات خود را از سال سوم دبستان آغاز کرد. او سه سال نیز به دبیرستان رفت و پس از آن به تحصیل علوم حوزوی رو آورد. او که تحصیلات حوزوی خود را در سال ۱۳۲۲ آغاز کرده بود، در مدت کوتاهی دروس مقدمات را به پایان رسانید و در محضر استادان بزرگوار دروس دوره سطح را پی گرفت. با پایان یافتن دروس سطح و نیز اندکی پیش از آن، به درس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی (ره) رفت و همزمان در دروس خارج امام‌خمینی (ره) نیز شرکت داشت. استاد اصلی او در دروس خارج امام (ره) بود؛ اما با تبعید آن مرجع حماسه‌آفرین، وی مجبور شد در دروس دیگر شرکت کند که از جمله آنان درس آیت‌الله العظمی محقق (ره) بود. ایشان در سالهای حکومت خاندان پهلوی، فعالیتهای مبارزاتی بسیاری را به انجام رسانیده است. او که خود از شاگردان امام (ره) بود همچون دیگر شاگردان آن مرجع بزرگ و نیز همچون مردم ظلم‌ستیز ایران در مبارزات و تظاهرات بسیاری شرکت کرده است. فعالیتهای سیاسی استاد فیض به پیش از انقلاب محدود نشد. وی پس از انقلاب نیز در عرصه‌های گوناگونی به خدمت پرداخت. او در طول سالهای دفاع مقدس، بارها در جبهه‌های جنگ حضور یافت و ضمن تبلیغ مبانی اعتقادی اسلام، انگیزه و شعف رزمندگان را دو چندان می‌ساخت. برخی از مسئولیتهای وی پس از پیروزی انقلاب به شرح زیر است: ۱. عضویت در دادگاه عالی تجدید نظر انقلاب اسلامی. ۲. ریاست و قائم مقامی دیوان عدالت اداری در حدود ۸ سال؛ ۳. نمایندگی امام (ره) در دانشگاه الزهراء (س)؛ ۴. عضویت در شورای گزینش قضات؛ ۵. عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ ۵. عضویت در مجلس خبرگان رهبری در دوره‌های اول تا چهارم. به مناسبت ایام سالگرد رحلت امام خمینی، روزنامه جمهوری اسلامی مصاحبه‌ای با آیت‌الله فیض گیلانی انجام داده است که در ادامه می‌خوانید.

* با تشکر از حضرتعالی، ابتداءً شرح مختصری از مراحل تحصیل خود بفرمایید.

تا کلاس دهم درس خواندم و در سال ۱۳۲۲ برای تحصیل علوم اسلامی وارد حوزه شدم. یعنی چند سال بعد از شهریور ۲۰ که رضاشاه دشمن سرسخت حوزه و روحانیت برکنار و دستگیر شده بود و او را به جزیره موریس فرستاده بودند و حوزه و روحانیت تا اندازهای آزاد شدند؛ روحانیون برای تحصیل در حوزه‌های علمیه آزاد شده بودند و رفتن طلبه هم برای حوزه‌ها آزاد شده بود که ما برای درس خواندن آمدم. همان اوائل که جامع المقدمات می‌خواندیم گفتند روزهای پنجشنبه یک آقایی در مدرسه فیضیه درس اخلاق می‌گوید، ما هم شرکت کردیم، مطالبی که ایشان داشت با مطالبی که در جلسات وعظ و روضه‌خوانی می‌رفتیم هیچ تناسبی نداشت، سنخ مطالب و گفتار راجع به رفتار و معامله خودمان با یکدیگر بود. به قدری این مطالب برای ما جذاب و جالب بود که آن کلمات را همیشه در ذهن مرور می‌کردیم تا هفته بعد که سر ساعت معین بشود و در آن جلسه شرکت کنیم. این درس اخلاق امام خمینی بود که زیر کتابخانه مدرسه فیضیه عصرهای پنجشنبه برگزار می‌شد و در آن روحانیون و بعضی از بازاری‌ها هم شرکت می‌کردند. از اینجا بود که با امام خمینی آشنا شدیم و از این پس هر جا جلسه‌ای بود و گفتاری داشتند، شرکت می‌کردیم. گاهی هم به منزلشان رفت و آمد می‌کردیم ولی به عنوان یک طلبه

معمولی، البته لباس هم پوشیده بودم ولی طلبه معمولی بودیم، ارتباطی که از نزدیک برویم با ایشان صحبت بکنیم یا برنامه‌ای داشته باشیم نبود.

* چه زمانی در درس‌های دیگر امام شرکت کردید؟

پس از طی مقدمات و خواندن رسائل و مکاسب و کفایه در درس خارج امام شرکت می‌کردم، در همان زمان بعضی آقایان دیگر در مدرسه فیضیه یا در منزل درس می‌گفتند، ۱۵-۱۴ نفر شرکت می‌کردند ولی امام خمینی در مسجد سلماسی درس می‌گفت حدود شاید ۳۰۰ نفر در درس شرکت می‌کردند، شخصیت‌هایی مثل آیت‌الله ناصر مکارم، یا آیت‌الله میرزا جعفر سبحانی و آقای روحانی و آقایان دیگر شرکت می‌کردند، وقتی درس تمام می‌شد می‌رفتیم مسجد بالا سر درس آیت‌الله بروجردی شرکت کنیم این خیابان ارم تا حرم روحانیون پراکنده بودند، این‌ها از درس امام خمینی که آن زمان معروف به حاج آقا روح‌الله بود می‌آمدند. این امر هم به روحانیت و حوزه و هم به مردم نشان می‌داد که شخصیتی که تا این اندازه شاگرد دارد، دیگر مرجع است. خب او بنا نداشت این کار را بکند درس می‌داد شاید شهریه هم نمی‌داد ولی خب این درسش او را ممتاز کرد و بالا برد تا جایی که مورد توجه مردم قرار گرفت.

* این وسط ارتباط نزدیک هم با امام پیدا کردید؟

خب این ارتباطی که پیدا کردیم، ارتباط شاگردی بود اما ارتباطی که در منزل باشیم، سؤالی بکنیم یا در مجالسی شرکت کنیم که ایشان بودند این جور نبود، فقط ارتباط شاگرد با استاد بود.

* چرا از میان درس‌های متعدد حوزه، درس امام را انتخاب کردید؟

همه کسانی که شرکت می‌کردند، این درس را دوست داشتند چون امام خوش بیان بود. گاهی کسی مثلاً درس کفایه می‌گفت می‌رفتیم می‌نشستیم می‌دیدیم که خب نمی‌تواند درس بگوید، خوش بیان نیست، یا کسی رسائل می‌گفت می‌رفتیم می‌نشستیم می‌دیدیم از نظر علمی خوب درس می‌گوید ولی خوش بیان نیست. اما درس آقای خمینی که می‌آمدم در مسجد سلماسی می‌دیدیم خوش بیان است، مثل اینکه ما از روی کتاب می‌خوانیم، این قدر روان برای ما صحبت می‌کرد. درس آقای بروجردی هم شرکت می‌کردیم.

* خود ایشان هم یک مدتی به درس آقای بروجردی می‌رفتند؟

بله، آن زمان که آقای بروجردی به قم آمد. در آن زمان علمای غیر طراز اول، علمای درجه دوم سوم، تصمیم گرفتند که یک شخصیتی را بیاورند مرجع تقلید باشد و حوزه را اداره کند، رفتند بروجرد از آقای بروجردی که شاگرد مرحوم آخوند بود، تقاضا کردند که بیاید، قبول کرد ولی مردم بروجرد نگذاشتند گفتند نه ایشان باید اینجا باشند. ولی خداوند که مصلحت می‌داند راهش را هم بلد بود، آقای بروجردی را مبتلا به باد فتق کرد که باید از بروجرد بیرون بیاید یک جای دیگر عمل کند. تهران هم بیمارستان‌ها مجهز بود ولی برای یک شخصیت روحانی و مرجع تقلید مناسب نبود. در حضرت عبدالعظیم یک روحانی البته با پول مردم یک بیمارستانی درست کرده بود که برای این کار مجهز بود، آقای بروجردی را آوردند در آن بیمارستان که ما هم دو سه بار برای عیادت ایشان آنجا رفتیم، بستری کردند. وقتی اینجا آمد برای علمای قم، امثال آقای خمینی راه باز شد که بروند از نزدیک از ایشان دعوت کنند، استخاره کرد و استخاره هم خیلی خوب آمد و باز هم آن بروجردی‌ها آمدند گفتند بعد از سلامتی باید برگردد به بروجرد، اما ایشان به بروجرد برگشت و به قم آمد و ما هم در استقبالش شرکت کردیم و یک منزلی ابتدا در کنار مسجد سلماسی برای ایشان گرفتند و علمای شهرستان‌ها هم وقتی این را شنیدند که یک شخصیتی مثل آقای بروجردی به قم آمده، می‌آمدند به دیدنش و از این امر خوشحال بودند، در یک مجلسی که من بودم

در گفت‌وگو با آیت‌الله فیض گیلانی

امام خمینی شخصیتی بی‌نظیر



یک شخصی از خارج قم آمد رو کرد به مردم که حدیثی برای شما بخوانم و چون در این حدیث پیغمبر شنونده و یادگیرنده این حدیث را هم دعا کرده شما هم بخوانید و یاد بگیرید به دیگران هم بگویید، حدیث را مرحوم کلینی در کافی نقل کرده است: «عن أبي عبد الله ع أن رسول الله ص خطب الناس في مسجد الخيف فقال نصر الله عبداً سمع مقالتي فوعاها وحفظها وبلغها من لم يسمعها فرب حامل فقه غير فقيه ورب حامل فقه إلى من هو أفقه منه ثلاث لا يغل عليهن قلب امرئ مسلم إخلاص العمل لله والنصيحة لأئمة المسلمين والزموم لجماعتهم فإن دعوتهم محيطه من ورائهم المسلمون إخوة تتكافأ مآولهم ويستأيدونهم أذلهم». ۱. حدیث را خواند و معنا کرد و گفت این حدیث مال امروز است، بزرگ‌ترین نعمتی نصیب مردم قم و حوزه علمیه قم شد که باید استقبال کرد و این نعمت الهی را گرفت و فإن دعوتهم محيطه من ورائهم المسلمون؛ یک خطاب به همه مردم است که باید از این نعمت استفاده کنند هر کس به اندازه توانی که دارد از این نعمت استفاده کند. خب این می‌رساند که علمای شهرستان‌ها هم از این که یک مرجع تقلیدی در قم باشد که تمام وجوهات به او برسد و از آنجا حوزه تأمین بشود و حوزه شهرستان‌های ایران و نجف هم تأمین بشود خوششان آمده بود، استقبال می‌کردند. اینجا بود که وقتی آیت‌الله بروجردی درس خارج شروع کردند امام هم برای تقویت ایشان شرکت می‌کردند، مدت کوتاهی هم شرکت می‌کردند این جور نبود که مثل ما شاگردها تا آخر بنشینند یعنی احتیاج به درس نداشتند به عنوان تکریم می‌آمدند پای درس می‌نشستند. ولی ما در سالهای بعد در درس آقای بروجردی می‌رفتیم و همان زمان هم درس امام شرکت می‌کردیم اما استفاده‌ای که از درس امام می‌کردیم به اندازه چند روز درس آقای بروجردی بود.

* از چه وقت همسایه امام شدید؟

پس از قضایای سال ۴۲ که امام را دستگیر و زندانی کردند، بالاخره پس از ۸ ماه مجبور شدند آزاد کنند، شبی که آزاد کردند ما در این خانه نبودیم ما در یک محله دیگر بودیم، گفتند که آقای خمینی را آوردند قم، آمدم دیدیم توی کوچه جا نیست یعنی این قدر جمعیت جمع شده بود صلوات می‌فرستادند. مردم خانه ما را نشان دادند گفتند امام اینجا است. ما اتفاقاً همان روز این خانه را معامله کرده بودیم، ولی هنوز تحویل نگرفته بودیم، خانه مال آقای مهدی‌زاده محلاتی بود ولی قبلاً در اجاره آقا مصطفی بود، گاهی پدر و پسر بحث‌های علمی خودشان را اینجا می‌کردند یا می‌خواستند از اوضاع روز باخبر بشوند می‌آمدند و خانه خلوتشان اینجا بود. آن روز هم آقای شهیدی محلاتی اینجا بود، شهیدی محلاتی پدرخانم آقای مهدی‌زاده بود با امام رفیق بودند وقتی ایشان را ساواکی‌ها آورده بودند و کسی خانه نبود شنید که آقای شهیدی محلاتی اینجا است، آمد به دیدن ایشان. بالاخره آن روز خانه ما را نشان دادند گفتند آقا اینجا است من آمدم در زدم یک جوانی آمد در را باز کرد گفت ملاقات نیست، گفتم من صاحب‌خانه‌ام، در را بست و رفت داخل با این‌ها صحبت کرد، گفتند که بگو بیاید، آمدم بالا سلام کردم و دست آقا را بوسیدم و نشستیم. آقای شهیدی محلاتی رو کرد به امام و گفت که خانه را آقای فیض خریده، حالا چرا این جمله را گفت؟ برای این که قبلاً آقای محلاتی به او پیشنهاد کرده بود که خانه را می‌خواهم بفروشم که اگر امام می‌خواهد برای

آقا مصطفی یا احمد آقا بخرد اما نشد که امام بخرد؛ به همین خاطر آقای شهیدی محلاتی به امام گفت خانه را آقای فیض خریده است یعنی به امام خبر بدهد که خانه فروخته شد. امام فرمود من خیلی خوشحال شدم، نگران بودم این خانه را چه کسی می‌خرد، گفتم ما خریدیم که در خدمت شما باشیم. نشستیم دیدیم صدای صلوات خاموش نمی‌شود به امام عرض کردم که این صدایی که می‌بینید مال مردمی است که وقتی شما آزاد شدید به امید دیدن شما آمدند اگر این‌ها شما را نبینند تا صبح اینجا هستند، این خانه دو تا در دارد یک در اینجا است، یک در در آن کوچه بغلی است اگر شما صلاح بدانید شما جلوی این پنجره بنشینید ما در را باز کنیم از مردم تقاضا کنیم از این در بیایند در حیاط شما را ببینند و از آن در بیرون بروند، قبول کردند و آمد جلوی این پنجره نشست و ما هم آمدم در را باز کردیم و به مردم گفتیم که آقایان ما برای شما ملاقات گرفتیم. این جور شد که تقریباً نیم ساعت مردم آمدند و امام را دیدند

* بعداً این ارتباط همسایگی ادامه پیدا کرد؟

بله، ارتباط همسایگی ادامه داشت، بعد از یک هفته که خانه را به ما تحویل دادند یک ولیمه‌ای هم به امام دادیم، عرض کردیم که ما می‌خواهیم ولیمه این خانه را به شما بدهیم خودش با اعضای دفتر یک شب آمدند، بعد هم ارتباط همسایگی ادامه داشت.

* تا زمانی که امام تبعید می‌شدند شما شاگرد ایشان بودید؟

بله، در نهضت هم با امام همراه بودیم، در جریان حمله به مدرسه فیضیه هم من در مدرسه فیضیه از نزدیک شاهد ماجرا بودم و تمام جریانات آن سالها را در کتاب خاطراتم که در دفتر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قم در حال آماده سازی است، ثبت کردم.

* در آن زمان بدنه حوزه چقدر با نهضت امام همراه بودند؟

البته همه همراهی کردند متهمی در حدی که کسی مخالفت نکرد، فقط آقای شریعتمداری گاهی حرفش این بود که این جور تظاهرات نکنند، جایی را آتش نزنند، مثلاً شاهنشاه این جور است، یک قدری هم از شاه تعریف می‌کرد؛ فقط او بود و غیر از او کسی دیگر از رژیم حمایت نمی‌کرد بلکه همه هم حاضر بودند مخالفت بکنند. در تظاهرات، تهران، قم و در شهرستان‌ها شرکت می‌کردند، خودمان هم در اوائل کار در لاهیجان چند تا تظاهرات خوب راه انداختیم و در حدود ۵۰-۴۰ هزار نفر جمع شدند، می‌خواستیم بگوییم که تمام قم و شهرستان‌ها آمده هستند. من در روز تاسوعا سخنرانی کردم ابتدا ۱۰ دقیقه راجع به امام خمینی صحبت کردم که نشان بدهم شخصیتی که پیدا شده در طول تاریخ بی‌نظیر است بعد خواستم به مردم قوت قلب بدهم که انقلاب دارد پیروز می‌شود گفتم بعضی از مؤمنین در تهران لیستی از بانک ملی دادند آن دزدها و آن افرادی که دور شاه را گرفته بودند، احساس خطر کردند پول‌هایشان را به خارج فرستادند گذرنامه هم آماده کردند که فرار بکنند. بعد خطاب کردم به نیروهای انتظامی که چند روز پیش عده‌ای از جوانان را گرفته و زده بودند، گفتم آقایان شهربانی‌چی‌ها! اینقدر جوان‌های ما را نگیرید در شهربانی زنید، عنقریب شاه هم فرار می‌کند و قدرت دست این جوان‌ها می‌افتد از شما انتقام می‌گیرند، شما نه پول به خارج فرستادید، نه گذرنامه گرفتید! گفتم به ما خبر دادند که دیروز یک ماشین دهاتی را آوردند، دو ماشین ارتشی هم جلو و عقب این‌ها بود تا در خیابان‌ها جاوید شاه راه انداختند،‌ای کاش ما یک دستگاه فیلمبرداری می‌داشتیم این را فیلم می‌گرفتیم به دنیا نشان می‌دادیم که برای رژیم همین تعداد مانده که با سر نیزه جاوید شاه بگویند ولی ۵۰ هزار جمعیت اینجا هستند می‌گویند مرگ بر شاه، و مردم همه گفتند مرگ بر شاه و این برای اولین بار بود که در لاهیجان مرگ بر شاه راه افتاده بود. روز بعد هم که عاشورا بود یک مقداری صحبت کردم و به مردم وعده دادم که به زودی انقلاب پیروز می‌شود. منظور این که

که یک دست کت و شلوار و کفش نو بپوشد می‌شود استاندار! من خودم رفته یکی از این استانداری‌ها، رفیق ۲۰ ساله آنجا داشتیم گفتم استاندار شما چطوری است؟ گفت هیچی بلد نیست، سه تا مشاور هم از تهران برایش فرستادند باز هیچی بلد نیست مشاورها می‌توانند در جلسه خصوصی چیزی یادش بدهند اما نمی‌توانند در جلسه عمومی به او بگویند که این را بگو، جلسه عمومی با فرماندار، بخشدار، رئیس دادگستری، با مسئولینی که از بالا می‌آیند می‌نشینند صحبت می‌کنند هر کس یک مطلبی برای عمران شهری دارد پیشنهادی می‌دهد این بلد نیست چه بگویند.

می‌خواهم بگویم این یکی از ضربه‌های بزرگ انقلاب است که ما نگران هستیم که خدای ناکرده یک اتفاقی بیفتد و آن پشت پرده‌های ما بیرون بیاید مردم کوچه و بازار بگویند شما این بودید ما نمی‌دانستیم!

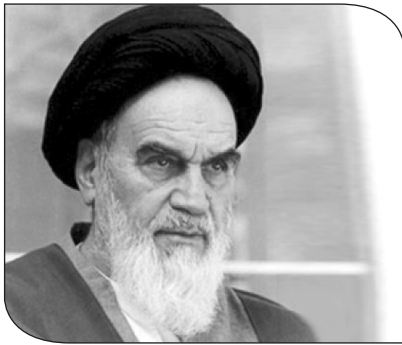
*** شما این شیطنت‌ها و سوء استفاده‌ها را به آیت‌الله بهجت منتقل نمی‌کردید تا موضعی بگیرند؟**

نه، آقای بهجت در این حال و هوا نبود که برای ایشان توضیح بدهیم که این جور شده است، توضیح هم می‌دادیم تفسیری نداشت برای اینکه او در سیاست نمی‌خواست مداخله کند.

*** اصل این کشف و کراماتی که راجع به آیت‌الله بهجت گفته می‌شد چقدر صحت داشت و نظر خود ایشان در این باره چه بود؟** آنچه که عده‌ای خاص می‌گفتند فقط برای رسیدن به هدف خودشان بود، هدف سیاسی داشتند اما آنچه دیگران نقل می‌کنند و در بعضی کتاب‌ها می‌نویسند آن‌ها به خودشان مربوط است.

پاورقی:

۱- الکافی، ج ۱، ص: ۴۰۳



می‌کردند که آیت‌الله بهجت فرموده که روز پنجشنبه روزه بگیر و روز جمعه به آقای احمدی نژاد رأی بده! واقعیت این بود که احمدی نژاد و آقای هاشمی کاندیدا بودند عده‌ای می‌خواستند آقای هاشمی را کنار بزنند، احمدی نژاد روی کار بیاید و توسط او کارهای خودشان را بکنند لذا این شایعات را راه انداختند و موفق هم شدند. حالا هم یک داستان‌های مفصلی داریم که خیلی جالب است. البته این‌ها را برای آقایان ناصر مکارم، سبحانی، اردبیلی و خود آقای هاشمی گفتم تا بدانند که پشت پرده چه خبر است، ۸-۷ سال است گروهی خاص پشت پرده قدرت را به دست گرفته‌اند و تمام قراردادهای واردات و صادرات کشور دستشان است و هر کاری دلشان بخواهد می‌کنند.

*** در مدتی که شما در دفتر بودید اصلاً آیت‌الله بهجت راجع به آقای احمدی نژاد اظهار نظری هم می‌کردند؟**

آیت‌الله بهجت اصلاً راجع به آقای احمدی نژاد یک کلمه هم نگفت، ولی این‌ها نسبت می‌دادند که آقای بهجت این جمله را گفته است خدمت امام زمان رسیده امام زمان به او گفته است به مردم بگو به احمدی نژاد رأی بدهند، دروغ بود. بالاخره با این جریان احمدی نژاد را روی کار آوردند می‌گفتند ما شما را روی کار آوردیم و مزد می‌خواهیم، او هم می‌دانست که این‌ها روی کار آوردند خب چه مزد می‌خواهند؟ ۳۰ تا استان داریم و ۳۰ استاندار باید از ما باشد! با این وضع کسی که سیاست نخوانده، مدیریت نخواند و تجربه هم نداشته شده استاندار فلان استان! فکر می‌کردند یکی

با دانشجویان همکاری کنم، چون نماینده ایشان در چند تا دانشگاه بودم، گفت شما دست از قضاوت بکشید یا جای شما خالی می‌ماند یا یکی می‌آید که مثل شما نیست. دیدیم راست می‌گوید یعنی ما در دادگاه عالی ورزیده شدیم، اگر دست بکشیم کسی نمی‌تواند جای من را بگیرد. بالاخره رفته در دیوان عدالت و قائم مقام آقای امامی کاشانی و رئیس شعبه اول شدم. چند سال من در دیوان کار کردم که امام فوت کرد بعد از فوت امام رئیس شورای عالی قضایی تبدیل به رئیس قوه قضائیه شد. من هم دیگر آمدم قم و پس از آن مدت شش سال در شورای مدیریت حوزه خدمت کردم.

*** از چه زمانی به دفتر آیت‌الله بهجت پیوستید؟**

بعد از اتمام کار در مدیریت حوزه، آنها تقاضا کردند که در آن دفتر باشیم و من هم رفته و به سوالات مردم طبق نظر آیت‌الله بهجت پاسخ می‌دادم.

*** مردم معمولاً در چه موضوعاتی از مرجع تقلیدشان سؤال می‌کردند؟**

مردم در موضوعات مختلف سؤال می‌کردند حتی مسائل سیاسی مثلاً سال ۸۴ از اصفهان تلفنی سؤال کردند در اصفهان شایعه است که آقای بهجت فرموده شما روز پنجشنبه روزه بگیرید و روز جمعه به آقای احمدی‌نژاد رأی بدهید. گفتم: دروغ است. دو مرتبه زنگ زدند و وصل کردند به تلفن من، گفتند ما از شیراز سؤال می‌کنیم، شیراز شایعه است که آقای بهجت فرموده زیارت عاشورا بخوانید و به آقای احمدی‌نژاد رأی بدهید. گفتم دروغ است. سه مرتبه از کرج زنگ زدند وصل کردند به تلفن روبرویی از او سؤال کردند که کرج شایعه است که آقای بهجت خدمت امام زمان رسیده و امام زمان به او گفته است به مردم بگو به احمدی نژاد رأی بدهند او هم گفت دروغ است. من این را در یک جلسه‌ای می‌گفتم که چند تا طلبه بودند یک طلبه‌ای گفت در کرمان ما هم این جور بود شایعه بود که آقای بهجت خدمت امام زمان رسیده امام زمان به او گفته است به مردم بگو به احمدی نژاد رأی بدهند! مثلاً ۱۰ هزار پیامک

تا جایی که می‌توانستیم در این انقلاب کمک کردیم.

*** شما نجف هم تشریف بردید؟**

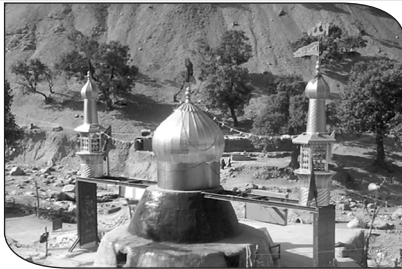
نجف به عنوان درس نرفتم، یک بار که رفته بودم مکه، از کاروان گذرنامه را گرفتم و رفته شام، سه چهار روز شام ماندم بعد رفته برای نجف، آنجا هم ۱۲-۱۰ روز خدمت امام بودم، نهار می‌رفتم منزل امام، و هر وقت هم که می‌شد خدمت ایشان می‌رسیدیم یک ملاقات این جوری داشتیم اما برای درس نرفتم هر چه درس خواندم، قم خواندم.

*** بعد از انقلاب ارتباط شما با امام چطور بود؟**

بعد از انقلاب ما را در نظر گرفتند برای دادگاه عالی. در اوایل انقلاب برای هر شهری یک دادگاه انقلاب تشکیل شد تا افراد فاسد دولتی را محاکمه کنند و قضاتی را هم برای این کار تعیین کردند اما احکام صادره آنها گاهی مشکلاتی داشت. آیت‌الله منتظری تلاش کرد برخی از این پرونده‌ها را برد خدمت امام و امام دستور داد که یک دادگاه عالی در قم تشکیل بدهند و این پرونده‌ها را تجدید نظر کنند. من و آیت‌الله مؤمن انتخاب شدیم برای رسیدگی به این پرونده‌ها که تجدیدنظر کنیم. آقای اردبیلی که آن زمان رئیس قوه قضائیه بود یک بخشنامه صادر کرد به تمام دادگاه‌های انقلاب که پرونده بعد از صدور حکم و قبل از اجرا به قم فرستاده شود تا مجدداً مورد تجدید نظر قرار بگیرد.

بعداً آیت‌الله امامی کاشانی آمد دعوت کرد که بروم دیوان عدالت اداری، گفتم من دیگر نمی‌خواهم قاضی باشم، اصلاً از قاضی شدن ناراحتم، قبول نکرد و گفت باید بیایید. گفتم یک ملاقاتی از امام برای من بگیرید، وقت گرفت و من رفته خدمت امام، امام در اتاق نشسته بود، سلام کردم و دستش را بوسیدم و نشستم احمد آقا آمد دم در به امام گفت آقای فیض می‌خواهد دست از قضاوت بکشد، امام فرمود اگر در این کشور کسی احتیاج به استراحت داشته باشد اولش من هستم ببین در این سن و سال دارم کار می‌کنم. عرض کردم نمی‌خواستم دست از قضاوت بکشم بروم برای استراحت، می‌خواستم بروم دانشگاه

امامزاده‌های دروغین



امامزادگان بدون سند و شجره نامه بیابند.

در پی این شکایات مردمی و پیگیری نمایندگان مجلس، سازمان اوقاف قول داده بود امامزاده‌های فاقد شجره نامه را جمع کند که البته شواهد حاکی است به رغم اهمیت این موضوع هنوز اقدام درخور توجهی آنگونه که باید انجام نشده است. چندی پیش رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه کشور اعلام کرد آماری که از امامزاده‌های دروغین عنوان شده کذب است و در مورد اینکه برخی امامزاده‌ها هیچ پشتوانه‌ای نداشته و سودجویان به دنبال کسب درآمد هستند، گفت: سازمان اوقاف به دنبال تولید امامزاده جدید نیست و افرادی که به دور از چشم اوقاف امامزاده ایجاد کرده و سودجویی می‌کنند با آنها برخورد شده و در آن بقیه بسته می‌شود. در میان استان‌های کشور، خوزستان با داشتن حدود ۲۱۴ امامزاده و بقیه متبرکه، از جمله استان‌هایی است که اخیراً امامزاده‌هایی بدون شجره نامه و اصالت در برخی شهرهای آن کشف شده‌اند و البته شواهد حاکی است حتی برخی قدمگاه‌ها و نظرگاه‌های موجود در استان هم از منشأ قابل اطمینانی برخوردار نیستند.

مدیر کل اداره اوقاف و امور خیریه استان خوزستان با تأیید این مطلب به خبرنگار «جوان» گفت: برخی از امامزاده‌ها و بقاع متبرکه استان که در فهرست آثار ملی ثبت شده در حیطه اختیارات اداره میراث فرهنگی بوده و مابقی زیر نظر اداره اوقاف و اماکن متبرکه استان است.

در دین مبین اسلام همواره توسل به اهل بیت (ع) و امامزاده‌ها به عنوان راهی روشن برای هدایت و رسیدن به سعادت مورد توجه قرار گرفته است. از این رو مسلمانان در شادی‌ها و غم‌هایشان برای رسیدن به آرامش و طلب حاجات خود، این مقربان درگاه خداوند را واسطه قرار می‌دهند و به دامن ائمه اطهار و اهل بیت (ع) چنگ می‌زنند. از آنجا که تکریم و بزرگداشت جایگاه و مقام امامزاده‌ها در جامعه اسلامی اقدامی مهم و مؤثر در ماندگاری دین است، از این رو در کشور ما از سالیان دور به دلیل باور قلبی و گسترده مردم به امامزاده و بقاع متبرکه همواره این اماکن را در جایگاه ویژه‌ای قرار داده و آنها از احترام و توجه خاصی برخوردار بوده‌اند. اما متأسفانه دیده شده در برخی از استان‌های کشور جاعلان و سودجویان با سوءاستفاده از باورها و اعتقادات دینی مردم، اقدام به ساخت امامزاده‌های دروغین کرده‌اند. عملی که به صورت مستقیم عقاید مذهبی مردم را هدف قرار داده است.

در پی کشف امامزاده‌های متعدد در مناطق مختلف کشور و ساخت مقبره بر بالای مزارهایی که نه شجره نامه‌ای داشتند و نه مدرک مستندی برای اثبات وجود آنها، حساسیت‌هایی در مورد دروغین بودن این اماکن ایجاد شد و مردم این مسئله را توهین به عقاید مذهبی و سوءاستفاده از احساسات دینی‌شان دانستند. از این رو با بیان اعتراض به سازمان اوقاف و امور خیریه کشور خواستار رسیدگی و برخورد قاطعانه به متولیان ترویج دروغ و خرافه پرستی شدند.

اما همچنان افراد سودجو به طور مداوم، مبادرت به درست کردن امامزاده‌هایی می‌کردند که فاقد اصالت بود تا اینکه سال گذشته رسیدگی به این مسئله اهمیت ویژه‌ای یافت و نمایندگان مجلس برای بررسی چند برابر شدن تعداد امامزاده‌ها در مدتی کوتاه و درآمدزایی و نحوه هزینه کرد درآمدهای سازمان اوقاف و امور خیریه، وارد گود شدند تا پاسخ دقیقی در خصوص شمار

داشته و آنها را متبرک می‌دانند از این رو مردم باید با نگاه موشکافانه و دقیق به بررسی صحت و سقم امامزاده‌های موجود در مناطق زندگی‌شان بپردازند.

مدیر کل اداره اوقاف و امور خیریه استان خوزستان با بیان این مطالب گفت: از مردم انتظار داریم که در صورت مشاهده امامزادگانی که از مدت پیدایش آنها زمان زیادی نگذشته، با استعلام از علما و بزرگان منطقه یا ارتباط با اداره اوقاف از موثق بودن آن اطمینان حاصل کنند تا سودجویان نتوانند خدشه‌ای به باورهای دینی مردم وارد کنند.

میرمحمدی از نشانه‌گذاری اداره اوقاف بر امامزاده‌های معتبر خبر داد و گفت: برنامه‌هایی برای حرم‌های مطهر و امامزاده‌ها طراحی کرده‌ایم و بر اساس آن قرار است در هر یک از این اماکن معتبر، حداقل یک تابلو با نام اداره اوقاف و امور خیریه استان که دربردارنده اطلاعات دقیق تری از جمله شجره نامه، قدمت و مدارک و مستندات بزرگان است، نصب کنیم تا ضمن اطلاع رسانی، زائرین با اطمینان خاطر به زیارت بپردازند.

علاوه بر استان خوزستان، در استان‌های دیگر نیز چنین موارد مشابهی یافت شده که عده‌ای با قصه پردازی و دروغ بافی سعی در فریب مردم ساده لوح و کسب سود و درآمد، داشته‌اند. گاهی یافتن تخته سنگی در محل حفاری آغاز قصه بافی و رویا پردازی و نهایتاً ساخت بارگاه و مقبره شده و گاهی هم شیدایی برای بالا بردن ارزش تکه زمین بی آب و علفش، سعی می‌کند با مقدس نشان دادن منطقه، ارزش ملکش را بالا ببرد! متأسفانه اینها مواردی است که اداره اوقاف و امور خیریه برخی استان‌ها به عنوان دلایل سر برآوردن این امامزاده‌های دروغین اشاره کرده‌اند. قطعاً برچیده شدن سفره این خائنین به دین جز با هوشیاری و آگاهی مردم معتقد و دوستدار اهل بیت و ائمه و تلاش همه جانبه مسئولان امر محقق نخواهد شد.

سید علی میرمحمدی با اشاره به اینکه از اواسط سال گذشته تاکنون سه امامزاده دروغین در استان شناسایی شده، گفت: این اماکن دروغین که منشأ مستندی نداشته‌اند پس از بررسی دقیق، با حکم دستگاه قضایی و هماهنگی شورای تأمین به طور کامل تخریب شده تا مورد سوءاستفاده سودجویان و شیادان قرار نگیرد. همچنین با متولیان این اماکن برخورد قانونی می‌شود.

ملاک تشخیص چیست؟!

مدیر کل اداره اوقاف و امور خیریه استان خوزستان دو عامل را به عنوان شروط پذیرفته شدن بقیه متبرکه معتبر از نظر اداره اوقاف بیان کرد و افزود: اولین شرط پذیرش این اماکن به عنوان امامزاده و بقیه متبرکه، مقبولیت آن در میان مردم است، اینکه اهالی منطقه از این امامزاده کرامت دیده باشند و متبرک بودن آن را قبول داشته باشند.

میرمحمدی ادامه داد: شرط دوم این است که این بقیه یا امامزاده ریشه محلی داشته باشد و سندی دال بر اثبات آن موجود باشد.

این مسئول در مورد شجره نامه نداشتن برخی امامزاده‌ها نیز گفت: در برخی کتب فقهی و تاریخی شجره نامه تعدادی از امامزاده‌ها موجود است که می‌توان به عنوان منبع موثق به آنها استناد کرد اما تعدادی از امامزاده‌های بدون چنین شجره نامه‌هایی هم وجود دارند که صرفاً به این دلیل نمی‌توان درستی آنها را رد کرد و بر دروغین بودن این اماکن حکم داد، از این رو داشتن شجره نامه یا نداشتن آن دلیل محکمی برای اثبات دروغین یا موثق بودن این امامزاده‌ها محسوب نمی‌شود.

انتظار از مردم!

ائمه اطهار و بزرگان دین همواره مرجعی برای تمسک جویی مسلمانان بوده‌اند و راهگشایی برای زندگی دنیوی. مردم کشور ما همواره اعتقاد و ارادت خاصی به اماکن مذهبی که محل دفن اهل بیت و نوادگان آنهاست

... قصد دخالت در «معقولات» را نداشتیم! اما وقتی یادداشت برادر عزیزم جناب شیخ محمدجواد حتی کرمانی (حفظه الله)، مندرج در روزنامه اطلاعات را خواندم (یکشنبه ۵ خرداد ۹۲)، بنظرم رسید که بنده نیز به نوبه خود و بقول ایشان به عنوان یک «مجتهد سیاسی» - پیشگام البته - اظهار نظری کرده باشم که اگر هیچ فایدتی نداشته باشد، لااقل می‌تواند تذکری باشد برای کسانی که اهل خرد هستند: «لعلهم یتذکرون»! او «یعقلون»!

... سخن از به اصطلاح عدم احراز صلاحیت آیت‌الله شیخ علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی بود. گویا به علت «کبر سن»! صلاحیت ایشان، از طرف آقایانی که بعضی از آنها چند سالی هم از آقای هاشمی «مس‌تر» هستند، «محرز»! شناخته نشده است...

... اینجانب خاطرات خود را درباره بزرگان معاصر برای جلوگیری از تشدید سوءتفاهم‌های حاکم بر جامعه، هنوز منتشر نساختم، ولی در این برهه از زمان، اشارتی کوتاه به گوشه‌ای از «حدیث روزگار» و «خاطرات مستند» درباره آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، شاید ضرور و یا بی‌مناسبت نباشد؟

... در دهه سی بنده ساکن مدرسه حجتیه قم بودم و شخصیت‌هایی چون: آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله مهدوی کنی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی - و غیر هم من الرجال المعاصرين - هم در آنجا ساکن بودند و آشنائی من با ایشان از همانجا آغاز شد: طلبه‌ای جوان، کوشا و پویا، پرنشاط، پر جنب و جوش و همیشه خندان!...

... در جلسه درس تفسیر علامه طباطبائی که در مسجد مدرسه حجتیه برگزار می‌شد و درس اصول امام خمینی که در مسجد سلماسی - کوچه آقازاده - همه روزه برگزار می‌گردید، همیشه ناظر بر حضور پرنشاط جستجوگر ایشان بودم... بعدها، یعنی در سال ۱۳۳۸ که «ما» در مجله ماهانه «مکتب اسلام» و در کنار اساتیدی چون آیات عظام: ناصر مکارم شیرازی، جعفر سبحانی تبریزی، حسین نوری همدانی و... قلم می‌زدیم، سالنامه و فصلنامه‌ای هم تحت عنوان «مکتب تشیع» شروع به انتشار نمود که مؤسسان و مدیران اصلی آن آقای رفسنجانی و شهید محمدجواد باهنر و مرحوم شیخ محمدرضا صالحی کرمانی بودند. و من به عنوان یک طلبه جوان قلم به دست! بدون توجه به خط مشی مکتب اسلام - دعوت همکاری با آن را پذیرفتم و مقالاتی تقریباً برای همه شماره‌های هفتگانه سالنامه مکتب تشیع، و بعضی فصلنامه‌ها، نوشتم که منتشر گردید...

... از آغاز نهضت اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، آقای رفسنجانی یکی از فعال‌ترین عناصر جبهه مبارزه بود بویژه در تکثیر و توزیع اعلامیه‌های روشنگر و ضد استبدادی امام و مراجع عظام دیگر و فضلا و طلاب حوزه، ما را یاری می‌داد... پس از سرکوب نهضت توسط رژیم به پیشنهاد ایشان، نخستین نشریه مخفی و ماهانه حوزه علمیه قم، تحت عنوان «بهشت»، با همکاری شخصیت‌هایی چون: مرحوم ربانی شیرازی، مرحوم علی حجتی کرمانی، آیت‌الله مصباح یزدی، سید محمود دعائی و گاهی محمدجواد حتی و حقیر، منتشر شد که توسط طلاب بلاد، تقریباً در سراسر ایران توزیع می‌گردید. (شرح مبسوط خاطرات مستند اینجانب درباره نشریات مخفی حوزه علمیه قم: بهشت و انتقام، اخیراً منتشر شده است که علاقمندان می‌توانند به آن مراجعه کنند.)

... در جریان ترور منصور، توسط برادران مؤتلفه، آقایان: ربانی شیرازی، انصاری شیرازی، صادق خلخالی، شیخ رضا گلسترخی کاشانی، علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، دستگیر و به زندان اعزام شدند... چند روز

چه باید کرد؟ دخالت در معقولات!

* حجت الاسلام والمسلمین سیدهادی خسرو شاهی



کردند. پایش را با اتو سوزاندند که زخم آن عفونت کرد و به بهداری برده‌اند و بستری است اما آن یکی حالش خوب است!...

البته من نمی‌دانم که واقعاً آقای رفسنجانی در اصل ماجرای ترور منصور دخالت داشته یا نه؟ ولی در کتاب «در دامگه حادثه» که چند روز پیش آن را می‌خواندم، «پرویز ثابتی - مقام امنیتی رژیم شاه - مدعی شده است «سلاحی که منصور با آن کشته شد، توسط رفسنجانی تهیه و به بخارائی تحویل داده شده بود»!

بهرحال برای اعتراف به این امر، آقای رفسنجانی را به شدت شکنجه کردند و سپس به چندین سال زندان محکوم شد... و پس از آزادی نیز، همچنان، و در همه میداین مبارزه، پیشتاز و پیشگام بود تا مرحله پیروزی انقلاب و پس از پیروزی انقلاب هم در جبهه‌های جنگ و ریاست جمهوری و مجلس و غیره، همواره حضور و نقش فعالی داشته است... با این سوابق، اعلام «عدم احراز صلاحیت» ایشان، از طرف آقایان شورای نگهبان موجب شگفتی همگان بویژه کسانی گردید که نیم قرن است با ایشان آشنائی دارند و نوع خدمات و فعالیت‌های ایشان را می‌دانند.

... متأسفانه همین امر، آنهم به بهانه کبر سن! موجب حملات بعضی از افرادی گردیده بود که هر کدام به دلیل خاصی، از دوران ریاست مجلس با ایشان، «زاویه» پیدا کرده بودند.

یکی از آنها برادر فدائی اسلام سابق ما، جناب شیخ جعفر شجونی است که در مصاحبه با خبرنگار «خبرساز» صدای آمریکا - (V.O.A) (به تاریخ: ۹۲/۳/۴) می‌گفت: «رفسنجانی «لغو» گرفته و قادر به اداره امور نیست!» که البته همه می‌دانیم این ادعا صحیح نیست، ولی آنچه که در این امر موجب تعجب و تأسف می‌گردد مصاحبه دوستان سابق ما، با ماهواره‌های استعماری، آمریکایی و انگلیسی است که بدون مراعات آداب و رسوم و موازین شرعی و اخلاقی، به نقل مطالبی می‌پردازند که خود می‌دانند دروغ است و حتی اگر صحت هم داشته باشد، نقل آنها بی‌تردید به مصلحت نظام و اسلام نیست. و متأسفانه همین جناب چند ماه قبل در مصاحبه دیگری با همین خانم خبرنگار، پس از بیان اینکه «در جامعه روحانیت یک مشت پیر و پاتال جمع شده‌ایم». - با همین تعبیر - درباره سن آیت‌الله جنتی مطالبی گفت که من از نقل آن‌ها باز معذورم، اما دو روز بعد که به ایشان زنگ زدم و گفتم: جناب شجونی! اگر جوکی هم در ایران و درباره بعضی افراد گفته شده که در صورت عدم رضایتشان، نقل آن مجاز و مشروع نیست، نباید آن را در ماهواره آمریکا و برای صدها هزار بیننده بیان کرد. که البته طبق معمول! با نقل یک جوک دیگر در مورد سن آیت‌الله جنتی و ... - البته این بار تلفنی و به حقیر - موضوع را مستند ساخت...!

... بعد از این مقدمه باید به مطلب برادر عزیزم جناب

حجتی اشاره کنم که: آقایان اعضاء شورای نگهبان، افراد معصومی نیستند و ممکن است در اجتهاد و برداشت خود اشتباه کنند، همانطور که در گذشته و در دو انتخابات مجلس شورا هم چند بار یک نفر را رد صلاحیت کردند و بعد رأی خود را تغییر دادند و در دو دور قبل ریاست جمهوری هم دچار این اشتباه عظیم شدند که نتایج آن را هم اکنون همگان می‌بینند و لمس می‌کنند!

نقل شایعات و اکاذیب و اتهاماتی که هیچ‌کدام از آن‌ها درباره هیچ یک از افراد در هیچ دادگاهی مطرح و اثبات نشده بود، آنهم در یک برنامه تلویزیونی که میلیون‌ها بیننده دارد، بی‌تردید یک عمل غیر مشروعی بود، همان‌طور که در جریان اخیر مشابه، آنهم در مجلس شورای اسلامی، مقام معظم رهبری این‌گونه اعمال را غیر اخلاقی و خلاف شرع نامیدند(۱).... آنوقت، آقایان شورای نگهبان، با علم و آگاهی کامل بر آن اقدام نامشروع، ناگهان صلاحیت آن فرد را «احراز» و اعلام کردند و اکنون صلاحیت آیت‌الله رفسنجانی را احراز نمی‌کنند!

شوکی که بر عموم مردم ایران در این امر وارد شد، بر کسی مخفی نیست و متأسفانه باید گفت که اثر منفی بسیاری در جلوگیری از پیدایش حماسه سیاسی خواهد داشت. البته نمی‌گویم مردم مسلمان به تکلیف خود عمل نکرده و در انتخابات شرکت نخواهند کرد، ولی بی‌تردید از حماسه شگفت آن خواهد کاست...

و اکنون من نیز مانند برادرم آقای حجتی در حیرتم که چه باید کرد؟ و البته ایشان کاندیدای خود را یافته و انتخاب هم کرده و نام او را در روزنامه نوشته‌اند، ولی من هنوز در حیرتم! که چه کنم؟ و به کدام یک از دوستان هشتگانه! رأی بدهم؟ که البته این «تحتیر» تا آغاز انتخابات، انشاءالله رفع خواهد شد.

در این یادداشت، بی‌مناسبت نیست که به یکی دو خاطره مستند مربوط به آیت‌الله رفسنجانی هم اشارتی داشته باشیم!

خرید منزل

آقای رفسنجانی، در قم در یک زمین ۲۸۰ متری موقوفه آستانه حضرت معصومه(ع) منزل کوچکی ساخت که یکی از منسوبین ایشان بنائی آن را به عهده داشت... پارکینگ آن خیلی کوچک بود. به ایشان گفتم: در این پارکینگ هیچ ماشینی جا نمی‌گیرد؟ و ایشان طبق معمول و با خنده گفت: من یک «فولکس» دارم که جا می‌گیرد... اما بعدها که بنده آن منزل را خریدم، «پیکان» من با چندبار جلو و عقب رفتن می‌توانست وارد آن بشود، اما این‌بار خروج راننده از آنجا مشکل داشت!...

داستان خرید خانه هم از آنجا شروع شد که آقای هاشمی قصد داشت به تهران منتقل شود و من نیز قصد داشتم ازدواج کنم... منزل من در یخچال قاضی، متصل به بیت امام واقع شده بود که از جناب خیرالایحی حاج محمود آقا لولایچیان به دوازده هزار تومان خریده بودم و پس از پرداخت چند هزار تومان، وقتی ایشان دید که تأمین تتمه! برایم سخت است و یا اصولاً مقدور نیست، بقیه مبلغ را نگرفت و سند خانه به نام بنده ثبت گردید!... قبل از من هم شهید هاشمی‌نژاد و آقای سیدحسن ابطی در آن منزل سکونت داشتند...

... بهرحال من آن منزل را به پانزده هزار تومان فروختم و قرار شد که منزل ایشان به قیمت ۲۸ هزار تومان به من واگذار شود. ایشان ۷ هزار تومان به بانک رهنی بدهی داشت که قرار شد من قسط‌های آن را بپردازم و تتمه بدهی به ایشان را هم به تدریج پرداخت کنم در همان گفتگو بودیم که یکی از مراجع فعلی که استاد بنده بودند، مشتری آن منزل شده و پیشنهاد سی‌هزار تومان نقد را هم با ایشان مطرح کرده بودند که آقای رفسنجانی نپذیرفته بود و آن مقام محترم فرموده بود: شما که هنوز معامله نکرده و حتی قولنامه

شواری نگهبان، این بار بطور معکوس دچار اشتباه شده اند که البته جبران‌ناپذیر نخواهد بود!

به این نکته هم اشاره کنم که من در طول این مدت، هر وقت به دیدار آقای رفسنجانی رفتم، چه در دوره ریاست جمهوری، و چه در زمان ریاست مجلس و یا مجمع تشخیص، هیچوقت و حتی برای یکبار هم ایشان در پشت میز خود ننشست، یعنی یا در صندلی، روبروی من و یا در صندلی معمولی در کنار من نشستند و به گفتگو پرداختیم و این نیز نوع تواضع و اخلاق انسانی ایشان را نشان می‌دهد.

... و اکنون مائیم همراه با تحیر و اندوه و افسوس... گرچه با انقلاب هرگز «قهر» نمی‌کنیم و بالاخره تا آخر وقت، یکی از برادران اصلح را از مجموعه موجود و انشاءالله برای اعطاء «یک رای»، انتخاب می‌کنیم. به امید آنکه عبدالله مقبول افتد.

و البته این فقط برای ادای «تکلیف» خواهد بود و از آن شوق و ذوقی که لازم بود، برخوردار نخواهد بود! بقول آیت‌الله مصباح: «مؤمن همیشه تکلیف‌مدار است. اینکه نتیجه چه می‌شود به ما مربوط نیست. این را باید به خداوند واگذار کنیم و نسبت به هرچه پیش آمد رضایت داشته باشیم». البته این بیانات پس از آن صادر شد که «اصلح الناس فی الارض و تحت ظل السماء» از نظر ایشان، خود اعلام انصراف نمود!

و بقول علما عظام قدیم: والله العالم والعاقبه للمتقین

تهران: ۶ خرداد ۱۳۹۲

سید هادی خسروشاهی

۱. متن بیانات معظم‌له چنین بود:

«... این قضیه به دو مناسبت بنده را نیز از دو جهت ناراحت و متأثر کرد. یکی از بابت اصل وقوع ماجرا و دیگری بابت ناراحتی مردم از این قضیه. در این ماجرا متأسفانه رئیس یک قوه به استناد یک اتهام ثابت نشده و حتی مطرح نشده در دادگاه، دو قوه دیگر، یعنی مجلس و قوه قضائیه را متهم ساخت. که کاری بد، غلط، نامناسب، خلاف شرع، خلاف قانون و خلاف اخلاق بود این رفتار حقوق اساسی مردم را نیز تضییع کرد. چرا که زندگی در آرامش و امنیت روانی و اخلاقی جز حقوق اساسی ملت است...»

با این توصیف، اعلام صلاحیت یک فرد غیرمتشرع مخالف قانون و اخلاق و ... چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟

۲. آقای زیبا کلام می‌نویسد:

«... زندگی ام هم از طریق درآمد ملکی تأمین می‌شد. با آمدن به تهران وضعم فرق کرد. اولاً بخشی از درآمدهایی را که در قم داشتم مثل کار کردن برای نشریه «مکتب تشیع» از دست دادم. به علاوه کرایه خانه و هزینه زندگی در تهران خیلی بیشتر از قم بود. ضمناً مایل هم نبودم از سهم امام و وجوه شرعی استفاده کنم. از اینجا بود که به تدریج به فکر افتادم که برای پوشش امنیتی فعالیت‌های اقتصادی داشته باشم. با توجه به امکانات موجود به سمت ساختمان سازی رفتم. یک خانه در زمین موقوفه ای در حدود سیصد متر در قم داشتم. آن خانه را به آقای سید هادی خسروشاهی که از طلاب مبارز و از دوستانمان بود به مبلغ هجده هزار تومان فروختم. این برایم یک سرمایه اولیه شد و با همان سرمایه در تهران و سپس در کرج کار ساختمانی را ادامه دادم. البته چون یکی از همشیره زاده‌های من بنا بود و عملاً کار ساختمان سازی را ایشان انجام می‌داد وقت کمی از من می‌گرفت. ایشان هنوز هم همان حرفه معماری را دارد. نهایتاً در چند نقطه که شامل کرج و تهران می‌شد در حدود چهار هزار متر ساختمان ساختیم، دو سه شرکت هم با جمعی از افراد مبارز و هم فکر تشکیل دادیم و زمین‌های قراردادی را تفکیک کردیم.» (نقل از کتاب «هاشمی بدون رتوش» مصاحبه ای با دکتر صادق زیبا کلام).

تبلیغات خارج از کشور داشتیم... اما وزیر وقت کارشکنی می‌کرد و سه معاون او هم که بعدها معلوم شد هر سه وابسته به سازمان ویژه‌های هستند هوادار «اسلام منهای آخوند»!... و آنها که سابقه دوستی و رفاقت دیرینه با آنها داشتم «نماینده امام» را برنمی‌تاییدند... ولی ما تحمل می‌کردیم به امید اصلاح... و به خاطر انقلاب!

... ورق برگشت وزیری رفت و وزیری دیگر آمد که کل وزارت را «منحله» اعلام نمود. به جماران رفتم و خواستم استعفاء بدهم احمد آقا مانع شد و گفت: «استعفا از نمایندگی امام سابقه ندارد و صلاح نیست. به جای استعفا بیایید و به «سفارت» بروید!...» در بین چند کشور، من «الجزائر» را انتخاب کردم که با «مجاهدان» آن از سالیان پیش آشنائی و نوعی همکاری داشتیم... تبادل ثقافتی - و نشر مقالاتی در جرائد ایران، در دفاع از جهاد آنان، بر ضد امپریالیسم فرانسه...

پس از یکی دو هفته مرحوم شهید رجائی به من گفت: شما برای سفارت واتیکان انتخاب شدید چون با مسیحیت آشنائی دارید و برای شناخت بهتر، بعضی از دوستان گفتند که به آنجا بروید. و آن شهید نام آن دوست را گفت: آقای هاشمی رفسنجانی!... البته به نظر من آمد که هدف شناختن مسیحیت نیست! بلکه دوستان علاقه ندارند که یک سفارت مهم برای ایران را در «اختیار خود» نداشته باشند چون می‌دانستند که من در چهارچوب قانون و اختیارات سفیر، به «تشخیص خود عمل خواهم کرد!» و این را هم «لین دوستان» برنمی‌تافتند! و صد البته این امر هرگز موجب «زاویه» پیدا کردن بنده نسبت به آیت الله رفسنجانی نگردید و تاکنون هم در عقیده من نسبت به ایشان تغییری نداده است.

البته با توجه به شناخت من از الجزائر و ارتباط وثیق با



شوی!...

پس از تشکر، بیرون آمدم...

به راننده تاکسی گفتم که مرا به یک مسافرخانه ببرد!... او هم مرا در خیابانی نیمه تاریک به یک مسافرخانه رساند که یک لامپ روشن بیشتر نداشت... اطاقی به من داد که تاریک خانه بود!... اجازه گرفتم که تلفنی بزنم!... و زنگ زد به آقای سیدمهدی خراسانی که در آن دوران مسئول جمعیت شیعیان لندن بود... آدرس مسافرخانه را صاحب آن به آقای خراسانی داد و یکساعت بعد خود وی به دنبال من آمد و مرا با خود برد و یک اتاق خوب، در خیابان «چرج استریت»، منشعب از خیابان معروف «های استریت کنیزینگتون» - نزدیک پارک معروف لندن - هاید پارک - برای من گرفت که در مدت اقامت یک ماهه در لندن، در آنجا اقامت داشتم و کرایه آن هم برای هر شب یک پوند با صبحانه بود! البته مسأله تمدید ویزا را آقای خراسانی انجام داد و من می‌توانستم سه ماه بمانم که بعلت پایان یافتن پول! مجبور شدم به ایران برگردم.

ماجرای سفارت

... بعد از پیروزی انقلاب، بنده با توجه به شناخت و لطف امام خمینی (رحمه الله) طی حکمی «نماینده امام در وزارت ارشاد ملی» - بعداً اسلامی - شدم و حدود دو سال فعالیت خستگی‌ناپذیری در امر مطبوعات و



هم نوشته‌اید، چه اشکالی دارد که با من معامله کنید؟... بعدها آن استاد بزرگوار (حفظه الله) خود به من گفتند که آقای هاشمی در پاسخ من گفت: «من قولنامه نوشته‌ام و پولی هم نگرفته‌ام اما قول داده‌ام!» البته این نکته را خود آقای رفسنجانی هیچوقت به من نگفت...

... بعد از معامله، ایشان دستگیر شد و به زندان رفت و من ته دل! از اینکه قسط‌های موعود شفاهی را نتدند نباید بپردازم! ناراضی نبودم!!

... روزگار گذشت... در دوران ریاست مجلس در دیداری با ایشان آقای هاشمی از من پرسید: شما آن منزل قم را چه کرده‌اید؟ گفتم هنوز هست! گفت ولی پس از بیست سال ظاهراً سند نزده‌اید و هنوز به نام من است؟ گفتم بلی! قولنامه که داریم!

آقای رفسنجانی گفت: این امر دو تا اشکال دارد اول اینکه مسئولین نظام باید لیست دارائی و املاک خود را اطلاع دهند و من آن منزل را که فروخته‌ام در لیست ذکر نکرده‌ام و اکنون ممکن است اشکال پیش بیاید! دوم اینکه اگر حادثه‌ای برای من پیش بیاید شاید شما با وراثت با مشکل روبرو شوید؟

این بود که رفتم و با پرداخت مبلغی، آن منزل را در دفتر آستانه مقدسه قم، به نام خود منتقل کردم و تا سال قبل هم آن که تقریباً نزدیک حرم بود نگهداشته بودم، ولی برای تکمیل کتابخانه‌ای که در حوزه علمیه قم ساخته می‌شود، به مبلغ حدود چهارصد میلیون تومان فروختم و الحمدالله تا حدود زیادی گشایشی در امر پیشرفت ساختمان کتابخانه بعمل آمد!

آقای رفسنجانی در گفتگو با برادرمان صادق زیبا کلام گفته است (۲) که وجه دریافتی بابت آن منزل، گشایشی در امور ایشان ایجاد کرد و همراه دوستان، زمین‌هایی را خریداری و ساخت و ساز کردند که سودبخش بود... و حقیر هم که پس از سی و پنج سال، آن را فروختم، در امر تکمیل کتابخانه، از آن بهره‌مند شدم.

سفر به اروپا

مطلب دیگری هم آقای رفسنجانی اخیراً در مورد گذرنامه ایرانی و راحتی سفر با آن در بلاد اروپائی نقل کرده بود که بنده نیز با همان شرایط ویژه روبرو شدم. یعنی به دعوت انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا، با اتوبوس تی‌بی‌تی از تهران عازم آنکارا شدم و از آنجا به بعد هم با عبور از: بلغارستان، یوگسلاوی، اتریش، آلمان غربی، فرانسه و اقامت کوتاه‌مدت در هر یک از آن کشورها و ایراد سخنرانی و برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با دانشجویان، رهسپار انگلیس شدم.

هیچ یک از آن کشورها، ویزا نخواستند و با ارائه گذرنامه به راحتی به مسافرت ادامه دادیم تا اینکه با کشتی، از دریای مانش عبور کرده و وارد ساحل لندن شدم!

در ساحل لندن، افسر پلیس گذرنامه‌ها را بررسی می‌کرد. نوبت من که رسید پرسید چرا ویزا نداری؟... بنده که انگلیسی نمی‌دانستم! گفتم: من از ایران می‌آیم، در ترکیه نوویزا - No Viza - بلغارستان نوویزا، یوگسلاوی نوویزا، آلمان (نه جرمانی!) نوویزا، فرانسه نوویزا و من فکر کردم که انگلیس هم نوویزا!...

افسر پلیس خندید و پرسید شغل تو چیست؟ گفتم: دانشجو هستم؟ پرسید چه رشته‌ای؟ گفتم مذهبی؟ گفت وقتی درس تو تمام شد، چه می‌شوی؟ گفتم: آیت‌الله

حجت الاسلام و المسلمین «ابوالفضل عامری»، کارشناس امور اهل سنت و مسئول سابق مرکز بزرگ اسلامی شمال کشور، در بازدید از خبرگزاری تقریب، به سوالات خبرنگار تقریب

در مورد دلایل بی احترامی به مقدسات اسلامی ، راهکارهای حل بحران سوریه و ...پاسخ داده است. مشروح این مصاحبه به شرح زیر است:

• چرا امروز شاهدی بی احترامی به مقدسات و حتی اهانت به قبور صحابه هستیم و آیا این نوع رفتارها در دین اسلام جایگاهی دارد؟

– این مورد، موضوع جدیدی نیست. قرآن می فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ»؛ این آیه اشاره به این دارد که همیشه دو جریان و دو دسته حق و باطل وجود داشته اند که از زمان حضرت آدم شروع شده و تا الان تداوم پیدا کرده و ادامه خواهد داشت. اما مصادیق و روش ها، نحوه تضاد و برخورد بین این دو جبهه و دشمنان و تاکتیک ها فرق کرده است. والا اصل دشمنی و عداوت جبهه باطل همیشه در برابر جبهه حق وجود داشته است.

این رفتار وحشیانه و غیرانسانی – صرفنظر از غیر اسلامی بودن آن – با روحیه انسانی و بشری سازگار نیست. یا حتی آن برخورد بسیار زشت اخیر که در سوریه اتفاق افتاد که یک انسان را می کشند، مثله می کنند وقلبش را بیرون می آورند. همه اینها نمونه ای از این دشمنی هاست.

امام مسجد الاقصی:

مفتی قطر خائن و دروغگو است

امام مسجد الاقصی، مفتی قطر را به دلیل صدور فتوای «جهاد در سوریه» به خیانت و دروغویی متهم کرد.

شیخ صلاح الدین بن ابراهیم ابوعرفه» در واکنش به فتوای اخیر «یوسف قرضاوی» مفتی قطر تأکید کرد؛ اگر این افراد صادق هستند، موضوع جهاد و آزاد سازی فلسطین اشغالی در فتوای آنان اولویت داشت.

روزنامه الاهرام به نقل از شیخ صلاح الدین نوشت: پیروان یک دین واحد با یکدیگر جهاد نمی کنند.

وی ادامه داد: چگونه درهای بهشت از دمشق گشوده شده .. ما در همسایگی سوریه و در فلسطین، غزه و بیت المقدس تحت اشغال قرار داریم و هیچ کس چه به زبان و چه با عمل خواستار جهاد در این سرزمین نشده است. !!! ابوعرفه گفت: اگر آنها صداقت داشتند، موضوع فلسطین اشغالی در اینگونه دعوتهای آنان اولویت داشت؛ بیت المقدس از ۶۰ سال قبل اشغال شده است، آنها طی این مدت کجا بودند و چرا مانند سوریه سرباز نفرستادند و ارتش تشکیل ندادند.

امام مسجد الاقصی خاطر نشان کرد: گروههایی که به نام دین به سوریه آمده اند از دین بسیار فاصله دارند؛ زیرا هر کسی که با برافراشتن پرچم اسلام برای ریختن خون یک مسلمان اقدام کند و یا به ناموس و مال او تجاوز کند، هر کس که بخواهد باشد، او خائن و دروغگو است.

ابوعرفه اظهار داشت: امت اسلامی یکپارچه است و یک دین و کتاب و پیامبر دارد، و کسی که به بدنبال تفرقه در این امت باشد و یا به روی آن سلاح بکشد از این امت نیست؛ پیامبر اسلام (ص) فرموده است «پس از من کافر نشوید و یکدیگر را نکشید».

شیخ ابوعرفه با بیان اینکه هیچگاه از گفتن سخن حق و حمایت از دوستان و برادرانش خودداری نمی کند، امنیت و صلح را برای سوریه خواستار شد و دعا کرد که دشمنان این کشور شکست بخورند.

«یوسف قرضاوی» اخیرا در خطبه های نماز جمعه دوحه پایتخت قطر، علوی های سوریه را «تصیری» توصیف کرد و مدعی شد: «علوی ها حتی از یهودیان و مسیحیان نیز کافرتر هستند»

مفتی قطر از همه مسلمانان در سراسر جهان خواست برای کمک به شورشیان مسلح و تروریست های خارجی به شهر القصیر سوریه بروند و – به ادعای وی – «با حزب الله بجنگند».

حملات تند این مفتی قطری به سوریه و مقاومت در حالی است که وی هیچگاه اعتراضی به اقدامات جنایتکاران رژیم صهیونیستی ضد مردم فلسطین و لبنان نداشته و حتی اخیرا در اظهاراتی، نگرانی واشنگتن درباره رژیم صهیونیستی بی مورد دانسته و گفته است، «مخالفان سوریه برای اسرائیل خطر ندارند!»

کارشناس امور اهل سنت:

باید منشور تقریب مذاهب اسلامی تدوین شود



اتحاد جهان اسلام در مقابل این دشمنی ها بایستند. البته وحدت حزبی منظور نیست بلکه وحدت سیاسی، به این معنا که مسلمانان یکجا با اتحاد خود بایستند و با این دشمنان برخورد کنند.

راهکار دوم این است که آنهایی که در خط مقدم مبارزه با دشمن قرار دارند آنها هم سیاست ها و برنامه هایشان را طوری تنظیم کنند که در بعضی از جاها ما با مشکلاتی مواجه نشویم.

راهکار سوم نیز این است، اکنون یک خلأ در جهان اسلام وجود دارد و آن، خلأ رهبری است. منظور، رهبری سیاسی است نه اعتقادی. به این معنا که اگر می خواهیم این مشکلات در جهان اسلام برطرف شود کشورهای اسلامی گردهم آیند و ما هم به عنوان کشوری که این داعیه را داریم تحت زعامت مقام معظم رهبری و با توجه به سیاست هایی که ایشان اعلام می کنند بتوانیم این اتحاد و انسجام را ایجاد کنیم.

منظور از صدور انقلاب هم همین است که ما بتوانیم در مدیریت جهانی نقش ایفا کنیم. اما متأسفانه امروز برخی از افراد این را بد می فهمند و فکر می کنند منظور از صدور انقلاب از نظر حضرت امام (ره) این بوده که ما اعتقاداتی را که خودمان داریم عین همین را به کشورهای اسلامی و غیراسلامی صادر کنیم. در صورتی که منظور حضرت امام (ره) این بوده که مسلمانان بتوانند در وهله اول با یک مدیریت یکپارچه و واحد به دور از هر نوع

اختلاف بر مبنای مشترکات نقش آفرینی کنند نه اینکه تفسیری خور باشند؛ و ما الحمدلله این امکانات و استعداد را بالقوه داریم، فقط باید در سطح روابط بین الملل و سیاست خارجی، طوری این را اعمال کنیم که از آن رایحه اختلاف به مشام نرسد. اگر بتوانیم این سه راهکار را در دستور کار قرار دهیم در جهان اسلام امروز،

می توانیم در مقابل این مسائل بایستیم.

• نقش علما برای حفظ و نگهداری بیداری اسلامی که در کشورهای جهان اسلام به وجود آمده است، چیست؟

نقش علما این است که بیایند بر مبنای مشترکات، یک منشور تهیه کنند تحت عنوان «منشور تقریب و وحدت» یا «منشور تقریب مذاهب اسلامی». و این را همه قبول کنند تا بر مبنای این بتوانند امروز حرکت بیداری اسلامی را که شروع شده به پیش ببرند و ادامه دهند.

بهترین راه این است و اینهم شدنی است اما به شرطی که ما آن فرهنگ سیاسی را که بعضی ها متأسفانه به دنبال آن هستند که بر مبنای برداشت های خودشان در بیرون هم ادامه دهند، کنار بگذاریم. به تعبیر شهید مطهری که می فرمایند: اختلافات ما اختلافات اعتقادی و دینی نیست، بلکه متأسفانه تعصبات لجاجت ها است که در جهان اسلام این مشکلات را به وجود آورده است.

من فکر می کنم با این منشور می شود مدیریت کرد.

تلاش برای آزادی اسلام از دست افراطیون ومنفعت طلبان

استفاده از فتوای روحانیون کارگزار کاخ های سلطنتی و حقوق بگیران امرا و شاهزادگان مادام العمر، اقداماتی را به نام دین انجام می دهند که نه تنها با دین مبین اسلام سنخیتی ندارد بلکه حتی در تضاد با آن قرار دارد.

امروز در سوریه به نام دین ودر چارچوب فتوای فقهای وارداتی، مسلمان برادر مسلمان خود را سر می برد و در حالیکه قربانی پیش از سربیده شدن فریاد لاله الا الله سر می دهد، تروریست با فریاد الله اکبر وی را از پا در آورده ومدعی کشتن کافر می شود. تروریست های تکفیری به نام دین خود را تنها محق و صاحب اسلام دانسته و بقیه مسلمانان را کافر توصیف کرده و حکم قتل عام آن ها را با توجه به این نگاه صادر می کنند.

آن ها به نام دین دختران و زنان را می فریبند و بدترین فسادهای اخلاقی و جنسی را با آن ها مرتکب می شوند که «جهاد نکاح» نمونه اعلام شده این انحراف اخلاقی است.

آن ها به نام دین یورش به مناطق دیگر مسلمانان را جایز دانسته وحتی سرقت اموال و تجاوز به زنان را مباح می دانند. آن ها به نام دین حمله به یک کشور اسلامی را حلال و برخورد با رژیم صهیونیستی را حرام اعلام می کنند.

آن ها به نام دین در سوریه اعلام جهاد می کنند اما اعتراض مسالمت آمیز در عربستان را حرام می دانند. امروز لیست بلند و طولانی این تضاد در فتوای دینی و این دوگانگی مواضع باعث سردرگمی بسیاری از جوانان کشورهای عربی شده است زیرا آن ها هنوز نمی دانند چرا باید علیه یک حاکم مسلمان که در کشورش حکومت می کند باید اعلام جهاد شود اما دار و دسته ای غیر مسلمان که سرزمین مسلمانان را غصب کرده و رژیم نامشروع خود را به جای آن بنا نهاده، نادیده گرفته می شوند؟.

امروز رویکرد وهابی تکفیری ضربات جبران ناپذیری به چهره اسلام وارد آورده است، تعصب گرایی کور کورانه و رویکرد حذف دیگر طوایف اسلامی در کنار اقدامات تروریستی – تکفیری که به نام اسلام در جهان تبلیغ می شود، به چالشی در برابر گسترش اسلام تبدیل شده اند. گرچه مبارزه سخت مردم عراق علیه تروریسم سلفی از یک سو و آغاز شکست این جریان در سوریه از سوی دیگر امیدها را برای آزادی اسلام از دست رباپندگانش زنده کرد اما در سایه هزینه های میلیاردی حامیان جریان اسلام تکفیری، جنگ آزادسازی اسلام با دشمنان داخلی و مدعیان دروغین آن جنگی طولانی و سخت خواهد بود.

حجت اله نیکی ملکی

***مدیرعامل خبرگزاری تقریب**



در سایه مشکلات امنیتی وهرج ومرج سازنده آمریکایی که از شمال آفریقا تا خاورمیانه را در طوفان خود فرو برده، حوادث آدم ربایی به اخباری پیش پا افتاده در رسانه ها تبدیل شده است.

از آدم ربایی های مختلف در یمن گرفته تا مشکلات گروگانگیری در لیبی که هر از گاهی در مورد آن می شنویم آغاز و به گروگانگیری نظامیان در مصر و عراق هم ختم نمی شود، در حالیکه شهروندان جمهوری اسلامی ایران نیز در سوریه قربانی این گروگانگیری بودند.

به اعتقاد یک نویسنده عرب در کنار انسان، اسلام هم امروز به دست بدخواهان و منفعت طلبان به گروگان گرفته شده است وباید به سرعت آن را از دست رباپندگانش نجات داد.

امروز اسلام ناب محمدی در اسارت سه دسته از کسانی گرفتار است که به نام دین تیشه به ریشه آن می کوبند:

اولین گروه: ساختار مذهبی افراطی دولتی است که فقهای سلاطین بعنوان پیمانکاران صدور فتواها در راستای خواست و میل دولت های فاسد در آن فعالیت می کنند، والا چه دلیلی برای صدور فتوای تحریم انتقاد علنی از دولت عربستان و اولیای امور می توان پیدا کرد و چرا باید زمانی که یکی از سایت های اجتماعی به مرکزی برای انتقاد از دولتمردان آن کشور تبدیل شود، فتوای تحریم آن صادر می شود.

برای دولتی که خود آنچه آزادی برای مردم سوریه توصیف می شود، سینه چاک می کند، صدور فتوای تحریم تجمع اعتراض آمیز برای مردمش مسئله ای قابل تأمل است.

دومین گروه: سازمان های تروریستی هستند که با استفاده از فتوای فقهای تکفیری که اکثر ایشان هم به ساختار دولتی دو پا چند کشور عربی حوزه جنوبی فارس وابسته هستند، دست به بزرگترین جنایات قرن بیست و یکم می زنند و با به راه انداختن حمام خون هم کیشان خود، اسلام ستیزی را در داخل جامعه اسلامی و اسلام هراسی را در جوامع غیر مسلمان رواج می دهند.

سومین گروه هم ساده اندیشان متعصبی هستند که با تبعیت از فقیه نمایان جاهل، جریان های انحرافی مختلف را در اسلام به وجود آورده و می آورند. بی تردید این اولین بار نیست که مسلمانان و اسلام ناب محمدی در معرض چنین هجمه هایی قرار می گیرد اما با توجه به قدرت رسانه ای در جهان که کره زمین را به دهکده ای کوچک تبدیل کرده و هر حادثه ای در هر کجای این پهنه خاکی به سرعت در آن منعکس می شود، تحرکات این گروه تاکنون ضربات قابل توجهی را به ساختار صحیح اسلام وارد کرده است. با نگاهی به رخدادهای سوریه و پیش از آن عراق و حتی تحولاتی که در لیبی و مصر به وقوع می پیوندد شاهد آن هستیم که گروه های افراطی با

وی با ابراز تأسف از اینکه در طول تاریخ همواره کسانی و گروه‌هایی بوده و هستند که برای تحریف آموزه‌های پیامبران و رسیدن به اهداف شیطانی شان برخاسته اند و با گمراه کردن مردم از آنها می‌خواهند به مخالفت با اهداف و برنامه های پیامبران برخیزند، خاطرنشان کرد: ما معتقدیم مهمترین وظیفه شرعی و انسانی پیروان انبیا الهی بازگشت به حقیقت دین و پیروی از پیامبرانی است که آنها را به عشق، صلح، امنیت، برادری، مساوات و عدالت فراخوانده اند.

آیت‌الله اراکی در پایان سخنرانی خود پیشنهادی را برای تشکیل یک مجمع ادیان ارائه نمود که مورد استقبال نخست وزیر اسکاتلند قرار گرفت.

«الکس سالموند» نیز در سخنانی ضمن تشکر و ادای احترام به حضرت آیت‌الله اراکی، از پیشنهاد ایشان استقبال و آمادگی خود را برای تشکیل این مجمع اعلام کرد.

تدوین سند وحدت توسط شورای علمای اسلامی بحرین



شورای علمای اسلامی بحرین از سند وحدت رونمایی کرد. این اقدام تلاشی برای وحدت ملی و اسلامی در این کشور است.

عبدالنصر فقیه گزارشگر این شبکه در گزارشی در این زمینه افزود: در حالی که رژیم بحرین به همراه دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس به دنبال اتحاد میان رژیم های عضو این شورا است، شورای علمای اسلامی بحرین نیز ابتکار جدید خود را برای وحدت میان شهروندان این کشور اعلام کرد. ابتکار سند وحدت اسلامی، تلاشی برای مقابله با خشونت های مذهبی و فرقه ای است.

سند وحدت اسلامی خواهان تفاهم میان ملت ها و دولت های اسلامی است. در این سند بر مسئله آزادی فلسطین به عنوان خواسته اصلی مسلمانان جهان، دشمنی با رژیم صهیونیستی و قانونی بودن مقاومت در برابر این رژیم تأکید شده است.

روزنامه نگاران بحرینی از این اقدام شورای علمای اسلامی این کشور در این شرایط زمانی تقدیر کردند چرا که فتاوی زیادی برای تفرقه مذهبی در منطقه منتشر شده است.

مجید المشعل رئیس شورای علمای اسلامی بحرین گفت: به جهان اعلام می کنیم طرفدار وحدت اسلامی و برادری ایمانی در کشور هستیم و نگاه یکسویه ای به همه مسلمانان داریم.

محمد هادی الغریفی سخنگوی حوزه های علمیه در بحرین گفت: برخی در پی فتنه فرقه ای زشت هستند تا همه ملت های اسلامی را هدف قرار دهند و در نهایت این وضع به سود استکبار جهانی باشد.

محمد خجسته مسئول روابط عمومی شورای علمای اسلامی بحرین گفت: در این سند بر محوری بودن مسئله فلسطین و دشمنی با رژیم صهیونیستی که غاصب اراضی عربی بوده و حامیان آن تأکید داریم. مقاومت در برابر اشغالگران صهیونیست نیز اقدامی مشروع است.

محمد حمید السلمان روزنامه نگار بحرینی گفت: کشورهای اسلامی و عربی با شرایط حساسی روبرو هستند و فتاوی بی پایه و اساسی نیز صادر شده است.

کنفرانس «صلح و همبستگی بین ادیان» در اسکاتلند برگزار شد



وی با اشاره به آیه ۱۳ سوره مبارکه شوری: «شَرَعَ لَكُمْ مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَلَدَىٰ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (خداوند آیینی را برای شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید) گفت: خداوند در این

آیه بر لزوم وحدت میان پیروان پیامبران تأکید می کند و به مشترکات قوانین الهی که از سوی پیامبران آورده شده اشاره می کند.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی افزود: خداوند متعال همچنین در آیه ۶۴ سوره آل عمران می فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا شَهِدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (بگو ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند بگویید شاهد باشید که ما مسلمانیم [نه شما]).

آیت الله اراکی تأکید کرد: قرآن کریم در این آیات و بسیاری از آیات دیگر از پیروان دیگر ادیان دعوت می کند وحدت داشته باشند و از قوانین مشترک میان همه ادیان پیروی کنند.

وی سپس به بیان اصول مشترک میان ادیان

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی:

حضرت امام حسین (ع) اسوه وحدت اسلامی است

نمی شود، هرچند دومذهب هست ولی جامعه واحد ویک نوع مناسبات برآن حاکم است .ازاین رو قیام امام حسین (ع)در ظرف گسترده ای که دربرگیرنده شیعه وسنی است، تحقق می یابد .

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی خاطرنشان کرد: این امر از ادبیات امام(ع)هم کاملاً پیداست که آن حضرت در بسترچنین جامعه ای قیام می کنند.چون بر امت تأکید می کنند و می فرمایند :اذ قد بلیت الامة براع مثل یزید، امام (ع) کلمه امت را به کارمی برند و نمی فرمایند امت شیعه یا سنی . و یا در جایی دیگر بر اسلام تأکید می کنند و می فرمایند: وعلی الاسلام السلام ...و یا درعبارتی دیگر از اصلاح امت جدشان به عنوان هدف قیام یادمی کنند .

وی ادامه داد: تأکید امام(ع)بر «امت جد» بیانگر آن است که بستر اجتماعی حماسه عاشورا ، جامعه شیعه یا سنی به تنهایی نبوده وچون بسترحرکت امام (ع) جامعه واحد صدر اسلام است ، مشاهده می کنیم که دعوت کنندگان آن حضرت نیزتنها شیعیان نیستند بلکه بسیاری ازدعوت کنندگان امام(ع) را اهل سنت تشکیل می دهند.که به اصطلاح شیعه سیاسی ونه اعتقادی بودند.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی خاطرنشان کرد: امام حسین (ع)نیز به هنگام یاریگیری برای قیام تنها متوجه شیعه اعتقادی ومذهبی نیستند بلکه حتی کسانی ازاهل سنت را که عثمانی مذهب بودند ،به همکاری فرا می خوانند مانند زهیربن قین. بنابراین حرکت امام حسین (ع)چه دربعداهداف ،چه شعارها و چه از نظر بستر حرکت اجتماعی ، متوجه یک جامعه و مناسبات واحد است.

وی یادآورشد: شاهد دیگر این ادعا، آن است که وقتی به آن حضرت پیشنهاد می شود ازمکه به سمت یمن که دوستداران ایشان در آنجا بودند، حرکت کنند، امام (ع) آن را نمی پذیرند وبه یمن نمی روند .این رفتار به این معناست که ظرف و بستر حرکت امام(ع) ظرف شیعه به تنهایی نیست بلکه ظرف آن ،جامعه اسلامی است.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی تصریح کرد: در واقع، قیام امام (ع)درراستای خدمت به اسلام وامت اسلامی وبه دورازهر گرایش مذهبی خاص است .این امرنشان می

کنفرانس «صلح و همبستگی بین ادیان» با حضور آیت الله اراکی دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در شهر «گلاسکو»ی اسکاتلند برگزار شد.

به گزارش تقریب (تنا) این کنفرانس در مجموعه سلطیک پارک گلاسگو توسط مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و با همکاری اتحادیه اهل بیت اسکاتلند برگزار شد.

کنفرانس «صلح و همبستگی بین ادیان» اولین رویداد صلح و وحدت در اسکاتلند بود که به مناسبت میعت نبوی و با حضور گسترده پیروان ادیان آسمانی برگزار گردید.

نخست وزیر اسکاتلند و وزیر امور زیر ساخت ها، سرمایه گذاری و شهرها و همچنین دیگر شخصیت های برجسته سیاسی دینی و فرهنگی از جمله حاضرین در این کنفرانس بودند. همچنین نمایندگان ادیان مختلف در اسکاتلند ازجمله مسیحیان کاتولیک و پروتستان، یهودیان، و مسلمانان از تمام فرقه‌ها و گرایش ها در این همایش حضور داشتند که در پی اتفاقات فرقه‌ای اخیرى که در انگلستان (لندن) رخ داد اهمیت این نشست را دو چندان کرد.

این کنفرانس با استقبال گسترده‌ای از سوی مخاطبین مسیحی، یهودی، مسلمان سنی و شیعه روبرو شد.

آیت‌الله «محسن اراکی» در سخنرانی خود در این کنفرانس با ذکر آیات متعددی از قرآن کریم بر نیاز به وحدت میان اتباع ادیان پیامبران الهی تأکید کرد و گفت: قرآن کریم اتباع ادیان را به وحدت دعوت می‌کند و آنها را به پیروی از اصول مورد قبول تمام ادیان دعوت می‌کند.

حجت الاسلام والمسلمین «احمد مبلغی» در گفتگو با روزنامه خراسان، در پاسخ به این سوال که « برای فهم وتحلیل درست رویدادهای صدراسلام به چه اصلی باید توجه کرد؟» تأکید کرد: فهم درست رویدادهای صدراسلام مستلزم توجه به این نکته است که بدانیم تحولی درتاریخ اسلام رخ داده است و تازمانی که به این تحول توجه نکنیم، مطالعه ما درباره صدراسلام به ضعف وکاستی و نقص روشی دچار خواهد بود.

وی ادامه داد: در صدراسلام مناسبات واحدی حاکم بود وجامعه با آن که در بردارنده دو مذهب شیعه و سنی و اتباع آن ها بود به دو جامعه از هم جدای شیعی وسنی تقسیم نمی شد. البته بعدها این وحدت مناسبات و وحدت جامعه برهم خورد ورفته رفته هر یک از دو مذهب شیعه وسنی جامعه ای جدای از جامعه دیگری پیدا کرد و هریک مناسبات خاص رادرمیان خودبرقرارکردند. هرچند در برخی کشورهای اسلامی یک همزیستی که تداعی کننده همان مناسبات صدراسلام بود، ادامه پیدا کرد.

رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: متأسفانه چون امروزه ما با یک ذهنیت برآمده ازمناسبات «دوجامعه ای» به حوادث و رویدادهای صدراسلام نگاه می کنیم ،درنتیجه به درستی نمی‌توانیم آن حوادث را دریابیم وتحلیل کنیم .گاهی نیز به دلیل همین ذهنیت نادرست، روایات رادر چارچوب جامعه متبوع خود تفسیرمی کنیم .

وی گفت: به عنوان نمونه اگر در روایتی از پیامبراکرم (ص)خطاب به مسلمانان آمده باشد که همدیگر را دوست بدارید ،هریک از جامعه شیعه وسنی آن را درفضای مناسباتی خود تفسیر می کند؛ درحالی که در صدر اسلام یک جامعه ویک نوع مناسبات درمیان مسلمانان برقرار بود .

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه «آیا باید قیام امام حسین (ع)را هم با همین پیش فرضی که توضیح دادید، مطالعه وبررسی کرد؟» گفت: برهمنی اساس وقتی امام حسین (ع) قیام می کنند، قیام آن حضرت درظرف «دو جامعه ای» انجام

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی
◄ بمشت ► شماره ۵
◄ شماره مسلسل ۱۴۵۲
◄ نیمه دوم خرداد ۱۳۹۲
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

آیت الله دکتر سید مصطفی محقق داماد در جامعه ما برخی اعمال ورفتار از نظر شرعی توسط فقیهان عالیقدر حرام‌انگاری شده ومردم مومن مقید به ترک آنها هستند به ویژه گناهانی که در شریعت ممنوع و برای ارتکاب آنها ضمانت اجرایی مجازات‌هایی تحت عنوان حدود یا تعزیرات تعیین شده است. این دسته اعمال بسیار کبیر و پراهمیت شناخته می‌شوند. مثلا شراب‌خواری در شریعت حرام است و شارب خمر به مجازات ۸۰ ضربه تازیانه توسط قاضی صالح محکوم می‌شود. این گناه بسیار بزرگ جلوه می‌کند و البته باید مومن هرگز مرتکب آن نشود. اما بسیار اعمال هستند که هرچند حرامند ولی چون برای آن اعمال مجازات حدی یا تعزیری وضع نشده گویی برای مردم از اهمیت چندانی برخوردار نیستند. مثلا دروغ گفتن از محرمات کبیره است ولی چون تاکنون دیده نشده که شخصی را به خاطر دروغ گفتن بر سر چهارراه و میادین عمومی به پشت دراز کنند و بر تنش تازیانه بنوازند گویی این عمل از چنان ممنوعیتی برخوردار نیست. در حالی که به موجب حدیثی که از نظر اعتبار قهقی بسیار صحیح و معتبر است دروغ گفتن گناهش بدتر از مشروب خوردن است. این حدیث را شیخ انصاری در کتاب شریف مکاسب بخش محرمه نقل فرموده است: امام باقر (علیه‌السلام) فرمود: (إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَ جَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ، وَالْكَذْبَ شُرْمَنَ الشَّرَابِ) (وسائل‌الشیعه، ج ۸، ص۵۷۲؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۳۹، حدیث ۳) خداوند متعادل برای شرور و بدی‌ها قفل‌هایی قرار داده و کلید آن قفل‌ها شراب است ولی دروغ از شراب هم بدتر است!!! مفاد این حدیث شریف به وضوح نشان می‌دهد که در فضایی این کلام درربار از امام(ع) صادر شده که دقیقاً همین اتفاق رخ داده بوده و آن بزرگوار با کوچک شماری دروغ توسط مردم متدین روبه‌رو بوده‌اند. مردم متدینی که به یقین لب‌شان هرگز به جام مشروب نزدیک نمی‌شده و از آن گناه هراس داشته‌اند ولی گویی به آسانی دروغ می‌گفته‌اند. امام (ع) با بیان شریف‌شان نمی‌خواهند بفرایند شرب خمر گناه ندارد می‌فرماید گناه بسیار بسیار مهمی است حتی کلید سایر گناهان است و به قول آن شاعر دوره قاجار:

جامی دو بنوشید و چو شد خیره زمستی

هم خواهر خود را زد هم کشت پدر را

ای کاش شود خشک بن تاک و خداوند

زین مایه شر حفظ کند نوع بشر را
مراد این حدیث منقول از امام باقر (ع) ضمن بزرگ شمردن گناه مشروب‌خواری، اهتمام به زشتی دروغ است. خداوند رحمت کند همه علمای گذشته را.

خاطره‌یی دارم از مرحوم استادم آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی اعلی‌الله مقامه روزی پس از اتمام درس اصول فقه طلاب از ایشان خواستند چند جمله‌یی موعظه فرمایند.ایشان با قرائت همین حدیث شریف سخن را آغاز کردند و در توضیح آن فرمودند راز این نکته روشن است زیرا این همه دین‌سازی‌ها، جعل حدیث‌ها، ریاکاری‌ها، حقه‌بازی‌ها را مشروب‌خواران نکرده‌اند، دروغ‌گویان کرده‌اند! خدا ایشان را غریق رحمت قراردهد که آنچه ما در زندگی ایشان مشاهده کرده بودیم گویی همه ردایل را در حقه‌بازی، ریاکاری و دروغ‌گویی می‌دانست. به هر حال شاهد این استخفاف و کوچک شماری دروغ در میان ما همین است که اگر برای مثال امروز که ایام انتخابات است شخصی خود را نامزد کند ولی درباره او گفته شود که دیده‌اند او در مجلسی لب به پیاله‌یی زده و جرعه‌یی نوشیده است، به یقین مردم او را منفور و شوم می‌خوانند و نقشه‌های رویایی او را نقش بر آب می‌کنند و داغ نشستن بر کرسی ریاست بر دلش می‌نهند هرچند در بیان و بنان قوی، در چاپلوسی و ملق مشارالینان باشد.مراجع نظارتی هم با قاطعیت وی را مردود اعلام خواهند کرد و البته باید با چنین شخصی چنان کنند و مادام که توبه وی به اثبات نرسیده سمت‌هایی که مستلزم عدالت است نصیب وی نگردانند. اما سوال من این است که آیا همین برخورد با ارتکاب دروغ هم می‌شود؟ آیا چنانچه شخصی که نامزد انتخابات شده با نشانه‌های دال بر صلاح ظاهر وجلاب انظار عوام مردم را به رای دادن دعوت کند و در پرونده زندگانی‌اش هرگز قدح، صراحی، پیاله و جامی نگاشته نبوده ولی همه می‌دانند که در سوابق کاری وی به کرات در ملاعام مطالب غیرمنطبق با واقع از زبانش جاری شده است یا در سخنرانی‌هایش آمار غیرواقعی ارائه داده است، در زندگینامه‌اش چندین دروغ به چاپ رسانده است، آیا صرفا به همین جهت مردم او را ناشایست می‌خوانند؟ فکر نمی‌کنم. البته اشتباه نشود اینجانب به هیچ‌وجه طرفدارجرم‌انگاری اعمالی همچون دروغ و غیبت نیستم زیرا چنین فکر می‌کنم که جامعه از افزون شدن جرایم از رهگذر تبدیل اخلاقیات به قانون و مساوی کردن جرم که عنوانی حقوقی است با عمل حرام که عنوانی است شرعی و ضمانت اجرا قراردادن مجازات دنیوی برای همه محرمات الهی، خبری نصیبش نمی‌شودو تجربه سال‌های اخیر این واقعیت را به اثبات رسانید.به یقین اگر انسان‌ها وجدان مذهبی بیابند، وان ربک لبالمرصاد را لمس کنند و خداترس شوند ضمانت

استخفاف گناهان کبیره در اخلاق سیاسی

بی‌اعتمادی که آفتی بالاتر از آن نیست خواهد شد.

سخنان غیرعملی:

دروغ یک نمونه بود که من ذکر کردم. نمونه دیگر سخن گفتن‌های غیرقابل کردار است. درایام انتخابات نامزدها به مردم چنان وعده‌هایی می‌دهند که هر شخص عاقل و خردمندی با یک حساب سرانگشتی به آسانی نامعقول بودن و غیرعملی بودن آن را درمی‌یابد. در قرآن مجید آیه‌یی درباره این عمل زشت با تعبیری بسیار تکان‌دهنده آمده است، آن آیه این است: **کُبرُ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ** (صف/۳) معمولاً مترجمین این آیه را چنین ترجمه کرده‌اند: خداوند سخت به خشم می‌آید که چیزی بگویید و به جای نیاورید.

ولی به نظر می‌رسد این ترجمه چنین می‌رساند که گویی خشم خدا برعمل نکردن به وعده است درحالی که چنین نیست. خلف وعده درآیات دیگری مکرراً آمده است. دراین آیه نقطه مرکزی خشم الهی را روی وعده دادن نسبت به اعمالی است که یا غیرعملی است یا وعده‌دهنده بنابرعمل به آن ندارد. در ترجمه تفسیر المیزان به این نکته توجه شده و چنین ترجمه شده است: خشم بزرگی نزد خدا منتظر شما است اگر بگویید آنچه را که عمل نمی‌کنید. یعنی گناه بزرگ، همان گفتن و وعده دادن آن عمل است. یعنی آیه شریفه در مقام بیان زشتی خلف وعده نیست در مقام زشت شمردن سخن گفتن نسبت به عملی است که توان یا بنای عمل آن را ندارید، می‌باشد.

امیرالمومنین علی (علیه السلام) خطاب به «مالک اشتر» چنین می‌فرماید: ایاک... آن تعدمه فتنع موعدک بخلفک، فان... الخلف یوجب المقّت عندالله و عند الناس قال الله تبارک و تعالی: «کبرمقتا عندالله أن تقولوا ما لا تفعلون؛ برحذر باش از اینکه به آنها چنان وعده‌یی دهی که تخلف خواهی کرد، زیرا وعده‌یی که خلف در پی دارد موجب خشم خدا و خلق است.

خداوند تبارک و تعالی می‌فرمایند: خداوند سخت به خشم می‌آید از اینکه بگویید آنچه را که عمل نمی‌کنید. به موجب آیه شریفه این عمل یعنی گفتن وشعار دادن نه به قصد عمل وصرفا به خاطر جلب نظر عامه «مقت کبیر» است. مرحوم طریحی در کتاب مجمع البحرین می‌گوید: (مقت) قوله تعالی: کُبرُ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ[۳۵/۴۰]أي أعظم بغضا عنده، و المقّت البغض. و مثله قوله: کان فاحِشُهُ وَمَقْتًا[۲۲/۴)

مقت یعنی بُغْض وکلمه «کُبرُ » نشان‌دهنده بزرگی واهمیت زشتی آن است. طریحی به عمل دیگری که مقت در قرآن شمرده شده اشاره کرده که نکاح با زن به جا مانده از پدراست. قرآن فرموده است: و لا تُنْكِحُوا ما نکح اباؤکم من النِّساءِ إلا ما قد سلف إِنَّهُ کان فاحِشُهُ و مَقْتًا و ساء سبیلاً (نساء/۲۲)

بررسی موانع رشد فرهنگ در گفت و گو با علی اکبر اشعری مدیر پروژه باغ کتاب

فرهنگی مومن که رفتارش بر مبنای آموزه‌های دینی است سیاستش نیز در خدمت فرهنگ است و همچنین فرهنگش در خدمت سیاست.البته شاید بد نباشد که به همین بهانه نکته‌ای را عرض کنم؛ به نظر من یکی از کاستی‌های جدی نظام مدیریتی ما و بلکه عموم رفتارهای عادی ما عدم ابتنای آنها بر اصول و معارف دینی است. بسیاری از نکات مطرح شده در کتاب شریف «هیج‌البلاغه» به ویژه‌نامه‌های حکومتی امیرالمومنین(ع) مستقیم و غیرمستقیم برای ما درس مدیریت است، واقعا یکبار نهج‌البلاغه را بخوانیم، ببینیم چه مقدار رفتارمان با آنچه این امام بزرگوار مطرح کرده‌اند، منطبق است. یکی از ملاک‌های مهمی که باید در انتخاب کارگزاران نظام به‌ویژه مدیران فرهنگی رعایت شود، فهم دین و رفتار دینی است.

با توجه به اینکه در مدیریت‌های فرهنگی، مشاوران نقش بسزایی دارند، این نقش را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هرچند عموماً در جامعه ما مشاوران در جایگاه واقعی خود قرار نمی‌گیرند و پست مشاور پستی تشریفاتی برای مدیران برکنار شده قلمداد می‌شود، اما معتقدم با توجه به نقش مهم مشاوران در تصمیم‌سازی برای مدیران، این نقش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.مشاوران نیز باید خود را از سیاست‌زدگی‌ها و رفتارهای سیاسی دور کنند.

اجرای‌اش بیش از سیخ و درفش وبرغوی دیوان و حاکم دنیوی است. مجازات دنیوی آخرالدوا است. آنچه می‌خواهم بگویم این است که محرمات الهی و گناهان کبیره‌یی مانند دروغ صرفا به خاطر آنکه جرم‌انگاری نشده و عذاب دنیوی برای آن منظور نگشته، نباید با موجبات استخفاف وکوچک شماری حقیر وناچیز شمرده شود.استخفاف دروغ چند جهت دارد یکی از جهات همین است که برای آن مجازات تعیین نشده و ما مردم خیال می‌کنیم این به جهت کوچکی گناه است، درحالی که چنین نیست.

جهت دیگر آنکه برخی شاید چنین گمان دارند که دروغ حرام، دروغ مضر وموجب خسارت به دیگران است درحالی که زشتی دروغ امری فی‌نفسه است خواه به کسی زبانی برساند و خواه نرساند. زیرا دروغ همواره زبان رسان است و زبانش کلان است نه خرد. بحران بی‌اعتمادی در جامعه ناشی از همین امر است. شگفتا! در مراجع روایی حدیثی از رسول‌الله (ص) وارد شده که حاوی مفهومی بسیار سنگین و مسوولیت‌ساز است. نقل است که آن حضرت در شب زفاف با خدیجه کبری (س) برای پذیرایی از خانم‌هایی که قرار بود عروس را برای آوردن به خانه شوهر همراهی کنند قدحی از شیر تهیه کرده بودند. خانم‌ها آمدند و عروس را آوردند و اندکی نشستند حضرت فرمودند بفرمایید شیر تناول کنید. به هریک که تعارف می‌شد در پاسخ می‌گفتند: میل ندارم. چند نفر که این جمله را تکرار کردند رسول اکرم(ص) فرمودند: لا تجمعن جوعا ونارا– یعنی گرسنگی را با آتش برای خود فراهم نسازید! یعنی اگر در واقع مایل به شیر خوردن باشید ولی از روی تشریفات یا شرمساری بگویید میل ندارم این دروغ است و شما از این رهگذر آتش دوزخ را برای خود فراهم ساخته‌اید؟ جهت دیگر در تعارض قرارگرفتن با مصلحت‌اندیشی‌های شخصی است که بلافاصله با جمله سعدی که گویی این شاعر اشعری مذهب مرجع همه مردم شده «دروغ مصلحت‌آمیز به راست فتنه‌انگیز» همه‌پیز را روا می‌کنیم. البته گناهی متوجه جناب سعدی نیست، با کمال تاسف اخیرا در یکی از رساله‌های خودمان نیز دیدم که به خوانندگان با صراحت آموزش عملی می‌دهد که اکثر اعمال زشت اخلاقی نظیر دروغ، تهمت، حتی اشاعه فحشا که از کیف‌ترین و قبیح‌ترین اعمال است در صورت مصلحت مجاز می‌شود. مشکل این مصلحت‌اندیشی خردنگری مصلحت‌اندیشان است. مصلحت‌اندیش باید کلان بنگرد نه خرد. باید بر طارم اعلی نشیند نه آنکه فقط پیش پای خودرا ببیند و به راحتی حکم جواز بر کردارزشت دروغ صادر کند. مصلحت‌اندیشی با نفع‌نگری متاسفانه اشتباه می‌شود. ممکن است از دروغ گفتن نفعی سریع‌الوقوع عائد دروغگو کند ولی به یقین در درازمدت جامعه دچار بحران

به حوزه فرهنگ، مانع نقش آفرینی او و مجموعه تحت مدیریتش می‌شود. به هرحال در جامعه طیف‌های مختلف سیاسی برای به دست گرفتن قدرت با هم در رقابت و گاه در نزاعند، در حالی که طیف‌های مختلف فرهنگی رقابت و نزاع را برنمی‌تابند؛ آنها‌همواره در تعامل و دادو ستد هستند.البته گاه شاهدبرخی نظرات از سوی‌تئورسین‌های نظام‌سلطه‌هستیم که برای به چالش کشیدن فرهنگ‌های در حال توسعه، نظریه برخورد و نزاع فرهنگ‌ها را مطرح می‌کنند؛ اما معتقدم تاریخ هیچ‌گاه رویارویی به معنای نزاع فرهنگ‌ها را به یاد نمی‌آورد، نزاع‌ها عمدتاً منشأ قدرت‌طلبی و توسعه‌طلبی برای گسترش امپراتوری داشته‌است.

با توجه به اینکه مقوله فرهنگ بادین در ار تباط بوده و همدیگر را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهند و از سویی دیانت از سیاست جدا نیست، چه باید کرد که در بخش مدیریت فرهنگی،مدیران سیاست‌زده نشوند و در رفتار مدیریت خود در حوزه فرهنگ سیاست دیده نشود؟

ببینید: نظریه معروف شهید مدرس که «دیانت ما عین سیاست ماست، سیاست ما عین دیانت ماست» ناظر به سیاستی است که منبعث از دین باشد، در حالی که وقتی ما در اینجا صحبت از جدایی سیاست از فرهنگ می‌کنیم منظورمان فرقه‌گرایی‌های سیاسی است. بنابراین، مدیر

هفتمین شاخصه مدیر فرهنگی قدرت تعامل و گفت‌وگوی مدیر فرهنگی با دارندگان سلایق مختلف است و هشتمین شاخصه مدیر فرهنگی آگاهی وی نسبت به نقش فرهنگ به عنوان بستر هر اقدام اجتماعی است.

تخصص فرهنگی مدیران را در حوزه مدیریت فرهنگ چقدر تاثیرگذار می دانید؟

اصولا تخصص در هر کاری از جمله مدیریت لازم است. بخشی از این تخصص از مجرای دانش مدیریت به دست می‌آید و بخشی نیز از تجربه مبتنی بر دانش مدیریت ایجاد می شود؛ البته از یک نگاه مدیریت به ویژه مدیریت فرهنگی هنر هم هست.

بسیاری از کارشناسان معتقدند که رفتار سیاسی مدیران فرهنگی در حوزه فرهنگ تاثیر گذاشته و مدیران نمی‌توانند انطور که باید و شاید مدیریت فرهنگی داشته باشند، نظرتان چیست؟ و این رفتار سیاسی در مدیران فرهنگی تا چه اندازه بر فرهنگ جامعه و عملکردها تاثیر گذاشته است؟

مدیر فرهنگی باید نقش مدیریت فرهنگی را ایفا کند؛البته مجموعه اجزای یک نظام باید در تعامل باهم حرکت سیاسی داشته باشند اما آنچه در این میان باید تاثیرگذار باشد، فرهنگ است بر سیاست نه سیاست بر فرهنگ. نگاه سیاسی یک مدیر

کتابخانه‌ها نمی‌توان تنها نهاد کتابخانه‌های عمومی را متهم کرد. پایین آمدن سرانه مطالعه را باید از نویسندگان پرسید. به‌طور مثال کتاب‌های بنده که در دهه ۷۰ در شش هزار نسخه منتشر می‌شد در حال حاضر به هزار نسخه رسیده که این امر را نمی‌توان گردن ماهواره و اینترنت هم انداخت، تنها می‌توان گفت که جامعه امروز ما دیگر فرهنگی نیست». وی تأکید می‌کند: «سایه سیاست در جامعه و مدیریت‌های فرهنگی سایه انداخته است و جو عمومی جامعه سیاسی شده است. مطالعه برای مردم و نهادهای دیگر دغدغه نیست.» این پژوهشگر در ادامه فرهنگسازی را مهم خوانده و اضافه می‌کند: «در دنیا مطالعه را به عنوان عادت و فرهنگ ایجاد کرده‌اند و نهادهای مربوط نیز به ترویج این فرهنگ پرداخته‌اند اما در ایران مدیریت سیاسی و ملوک‌الطوایفی، باعث شده که کاری برای ترویج مطالعه صورت نگیرد. سیاست‌های کلی در بخش فرهنگ درست نیست و این شامل عملکرد نهاد کتابخانه‌های عمومی نیز می‌شود.» وی عنوان می‌کند: «با تعامل نهادهای به سادگی می‌توان مسئله مطالعه در ایران را حل کرد.

در این میان نهاد کتابخانه‌های عمومی نیز نتوانسته پراکندگی عادلانه را در ایجاد کتابخانه‌ها رعایت کند. یکی از راه‌های ترویج مطالعه این است که مخاطبان به کتابخانه‌ها دسترسی راحت داشته باشند.» به اعتقاد جهانگیریان توسعه دقیق کتابخانه‌ها در سطح شهرها و استان‌ها و خرید مناسب کتاب‌ها برای کتابخانه‌ها می‌تواند در افزایش سرانه مفید مطالعه تأثیرگذار باشد. وی نیز همچون اسماعیلی به نوع خرید کتاب‌ها در نهاد کتابخانه‌های عمومی اشاره کرده و می‌گوید: «متأسفانه در خرید کتاب‌ها نیز نوعی سیاست‌زدگی دیده می‌شود. کارشناسان خرید کتاب باید فارغ از هر سیاستی کتاب‌های ارزشمند را خریداری کنند و به نوعی در خرید کتاب‌ها، برخورد باز با آثار صورت گیرد.» وی تنوع کتاب‌ها در کتابخانه‌های عمومی را در جذب مخاطب مهم خوانده و ادامه می‌دهد: «فضای باز باید در خرید کتاب‌ها ایجاد شود تا بتوان به نیازهای مراجعه‌کنندگان پاسخ داد.»

منبع: تهران امروز

العظمی مرعشی با ۳۷۰۰۰ مجلد نسخه خطی مقام دوم (بدون لحاظ قرآنهاى آستان قدس مقام نخست)، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با ۳۵۰۰۰ مجلد نسخه خطی مقام سوم، کتابخانه موزه ایران شناسی با ۳۴۰۰۰ مجلد نسخه خطی مقام چهارم و کتابخانه مجلس شورای اسلامی نیز با دارا بودن ۲۵۰۰۰ مجلد نسخه خطی مقام پنجم را در کشور دارا می‌باشد. همچنین بر اساس همین نمودارها، در کتابخانه‌های شهر تهران ۱۵۸۸۸۶ نسخه خطی، در کتابخانه‌های قم ۱۳۸۷۱۴ نسخه خطی، در کتابخانه‌های مشهد ۵۲۸۶۲ نسخه خطی (با تکرار معرفی برخی نسخ) فهرست و معرفی گردیده است. همچنین سهم فهرست‌نویسان بر پایه تعداد آثار معرفی شده در این اثر، به لحاظ کمیت، مرحوم دانش پژوه با ۱۶۱ فهرست مقام نخست، مرحوم ایرج افشار با ۸۶ اثر مقام دوم، استاد اشکوری با ۷۴ اثر مقام سوم و دکتر محمود مرعشی نیز با ۶۵ اثر مقام چهارم فهرست‌نگاری را در این پژوهش به خود اختصاص داده‌اند. بر پایه آمارهای شاخص کتابخانه ارائه شده در این اثر، بیشترین سهم فهرست‌نگاری نسخ خطی در کتابخانه‌های ایران، متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که آمارها نشان می‌دهد ۸۰ درصد نسخه‌های آن فهرست گردیده است. در مقابل آن، به ترتیب ۶۲ درصد نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ایران و ۵۹ درصد نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی تآکنون فهرست نشده‌اند. نیز بر پایه آمارها، به لحاظ موضوعی، ۵۶ درصد نسخه‌های خطی، علوم اسلامی، ۳۲ درصد علوم انسانی، ۷ درصد علوم طبیعی، ۵/۳ درصد علوم غریبه و ۱/۷ درصد نیز علوم پایه است.

کتابخانه‌های بی مخاطب

موضوعی که در این سال‌ها رعایت نشده است. اسماعیلی در ادامه یادآور می‌شود: «اگر نگاهی به کتاب‌های موجود در کتابخانه‌ها بیندازیم خواهیم دید که کتاب‌هایی که از نظر مضمون و محتوا قوی هستند و مخاطب خوبی دارند در لیست خرید کتاب نهاد کتابخانه‌ها نیست در صورتی که خرید کتاب‌ها باید عادلانه باشد».

این شاعر تصریح می‌کند: «اگر کتاب‌ها به صورت سفارشی خریداری شوند، مخاطبان نیز علاقه‌ای به خواندن کتاب‌های کتابخانه‌ها ندارند. بنده که در حوزه شعر فعالیت می‌کنم از ضوابط اطلاعی ندارم و معتمد در اطلاع‌رسانی کوتاهی شده است.» یکی دیگر از نقدهایی که به عملکرد نهاد کتابخانه‌های عمومی وارد است، حضور کتابداران و مدیران است، باید گفت ساختار هر سیستم بر رفتار آن سیستم تأثیر فراوان می‌گذارد و حال اینکه کتابخانه‌های عمومی، واحدهای جدا از همی هستند که اگرچه بین آنها نوعی از درجه‌بندی وجود دارد اما هیچ‌گونه سلسله مراتبی در آنها لحاظ نشده است و به نظر می‌رسد در این نهاد نیز سیاست بر مدیریت آن سایه انداخته است. «رحمت‌الله فتاحی» یکی از کتابدارانی است که در این زمینه می‌گوید: «در نهاد کتابخانه‌های عمومی، در سال گذشته استخدام کتابداران را داشته و کتابدارانی که استخدام شدند در شهرهای بزرگ و کوچک مشغول به کار شدند، در کل این اتفاق خوبی بود اما کتابداران بعد از استخدام به این نتیجه رسیده‌اند که حقوقی که دریافت می‌کنند در ازای کاری که انجام می‌دهند بسیار ناچیز است، معتمد مدیریت کتابخانه‌ها باید در این زمینه اهتمام داشته باشند و شرایط را به گونه‌ای برای کتابداران راحت کنند.» وی به فعالیت و وظایف کتابداران نیز اشاره کرده و تأکید می‌کند: «در این سال‌ها در حق کتابدارها نیز اجحاف شده چرا که در میان آنها افرادی وجود دارد که می‌توان به آنها مسئولیت‌های بالاتر و حتی مدیریت کتابخانه‌ها را واگذار کرد اما این کار صورت نمی‌گیرد و همیشه مدیریت کتابخانه‌ها جدا از مجموعه کتابدارها است.» به اعتقاد وی توجه به کتابدارها می‌تواند زمینه رشد کتاب‌خوانی را گسترش دهد و در این میان برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای کتابداران می‌تواند به ارتقای سطح علمی آنها کمک زیادی کند. این کتابدار به خرید کتاب‌ها نیز اشاره کرده و ادامه می‌دهد: «یکی از نکاتی که باعث انتقاد خود کتابداران نیز شده، شیوه خرید کتاب‌ها و روش کار در کتابخانه‌ها است.

کتاب‌هایی که برای کتابخانه‌ها خریداری می‌شوند سختیت و هماهنگی با موقعیت کتابخانه‌ها در شهرها و روستاها ندارند. همچنین کتاب‌ها به صورت کلی خریداری و پخش می‌شود بدون آنکه موقعیت کتابخانه‌ها و مخاطبان لحاظ شود.» وی پیشنهاد ایجاد یک کارگروه را در حوزه خرید کتاب برای کتابخانه‌ها پیشنهاد داده و عنوان می‌کند: «تشکیل این کارگروه واجب است چرا که کارشناسان در این کارگروه با توجه به وضعیت و موقعیت کتابخانه‌ها، آثار را خریداری و توزیع می‌کنند. اگر این کار لحاظ شود کتابخانه‌های ما پویاتر و جذاب‌تر خواهند بود.» فتاحی می‌گوید: «اکثر مراجعه‌کنندگان به کتابخانه‌ها محصلان و جوانان هستند که یا کتاب‌های خود را می‌خوانند یا به مطالعه دروس مشغول هستند و این در حالی است که نهاد کتابخانه‌ها باید کاری کند که اقشار مختلف جامعه بر اساس نیازهای خود از کتابخانه‌ها استفاده کنند. اگر خرید کتاب‌ها روش منطقی داشته باشد و اگر بتوان از ظرفیت درست کتابداران استفاده کرد، می‌توان به توسعه کتابخانه‌ها و افزایش مخاطبان امیدوار بود.» نکته دیگری که در این سال‌ها نهاد کتابخانه‌های عمومی سعی کرده آن را در دستور کار خود قرار دهد، سرانه مطالعه مفید است و در گزارش‌ها و صحبت‌های مدیران این نهاد آماری درخصوص سرانه مطالعه عنوان شده که سرانه مطالعه در سال ۱۳۸۷، ۱۸ دقیقه؛ ۱۳۸۸، ۱۸:۱۲ دقیقه و در سال ۱۳۸۹، ۱۸:۴۷ دقیقه بوده و آن را نشان‌دهنده عملکرد موفق نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور می‌داند. «عباس جهانگیریان» از پژوهشگران و نویسندگان، درباره سرانه مفید مطالعه در کشور و همچنین کتابخانه‌های عمومی می‌گوید: «در حال حاضر سرانه مطالعه‌ای که از سوی وزارت ارشاد یا نهاد کتابخانه‌های عمومی اعلام می‌شود، دقیق نیست چرا که احساس می‌شود مطالعه کتاب‌های درسی نیز در سرانه مطالعه آورده می‌شود».

وی تصریح می‌کند: «مطالعه کتاب‌های درسی در سرانه مطالعه جایی ندارند چرا که این نوع مطالعه به مولفان و ناشران کمکی نمی‌کند. کتابخانه‌های عمومی در فصل امتحانات بسیار شلوغ هستند و این به خاطر استفاده از محیط کتابخانه‌ها است و نباید آمار را در سرانه مطالعه آورد.» جهانگیریان یادآور می‌شود: «درباره پایین بودن سرانه مطالعه و نبود کتاب‌های مناسب در

نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ایران به روایت آمار

شناخته شده و البته نام فهرست‌نگار آن، دانسته نیست.

دومین فهرست مخطوط موجود، متعلق به نسخ خطی نفیس کتابخانه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در اردبیل است، که صورت برداری از کتب و اشیاى قیمتی بقعه مذکور در قالب "طومار" است؛ آن اثر، از سوی محمدطاهر مستوفی و به دستور سید محمدقاسم بیگ صفوی، در سال ۱۱۷۳هـ در دوره زندیه - ۶۹ سال پیش از غارت فرهنگی عظیم بقعه، توسط روس‌ها در سال ۱۳۴۲هـ - نگارش یافته است.

سومین فهرست مخطوط نیز متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی است که در سال ۱۲۱۲هـ در سالهای نخستین حکومت فتحعلی شاه قاجار (حک ۱۲۱۲-۱۲۵۰هـ)، نگارش یافته است و اکنون به شماره ۱۷۲۱ در کتابخانه ملی ملک نگهداری می‌گردد.

اما نهضت فهرست‌نگاری رسمی و انتشار تدریجی فهرست‌های نسخ خطی، برای دستنویس‌های موجود در کتابخانه‌های ایران را بایستی در واپسین سالهای عصر ناصری (حک ۱۲۶۳-۱۳۱۳هـ) جستجو نمود، نخستین فهرستی که رسماً برای نسخ خطی کتابخانه‌ای در ایران به چاپ رسیده است، فهرستواره آثار دستنویس کتابخانه آستان قدس رضوی است که در سال ۱۳۰۵هـ به اهتمام نوروزعلی بسطامی در پایان کتاب فردوس التواریخ منتشر شده است.

با این حال، نخستین فهرست رسمی (به معنی امروزی آن) نگارش یافته برای دستنویس‌های کتابخانه‌های ایران، باید به سه جلد نخست فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، اشاره نمود که به اهتمام عبدالعلی اوکتابی، محمد

در سال ۱۳۸۴، کتابخانه‌های عمومی کشور از بدنه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جدا شده و تحت نظارت یک نهاد مستقل عمومی غیردولتی با نام «نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور» قرار گرفتند. به نظر می‌رسد نهاد کتابخانه‌های عمومی، سازمانی به‌ظاهر غیردولتی است که وظیفه دارد تمامی کتابخانه‌های عمومی در سطح کشور را اداره کند و در حال حاضر در تهران و شهرستان‌های اطراف و کرج نزدیک به ۱۵۰ کتابخانه وجود دارد و در کل کشور نیز این نهاد حدود دوهزار کتابخانه را در سطح کشور تحت پوشش دارد که این تعداد شامل کتابخانه‌های مساجد، مدارس، فرهنگسراها و دانشگاه‌ها نمی‌شود.

این نهاد، ردیف مستقلی را هم در بودجه کشور به خود اختصاص داده که با عنوان کمک دولتی به آن پرداخت می‌شود. به‌نظر بسیاری از کارشناسان فرهنگی و نویسندگان، این نهاد ضعف‌های زیادی را در سیستم مدیریت، برنامه‌ریزی و خرید کتاب دارد، چنانچه بسیاری از خریدهای کتاب این نهاد سفارشی بوده و به‌صورت میلیونی و میلیاردی کتاب‌های سفارشی را خریداری می‌کند و این در حالی است که بسیاری از ناشران عادی هیچ سهمی از قفسه کتابخانه‌های عمومی تهران و شهرستان‌ها ندارند. نوع خرید سفارشی کتاب‌ها و نبودن قانون و معیار مشخص در خرید کتاب‌ها باعث شده که بسیاری از کتابخانه‌ها تبدیل به گورستان کتاب‌ها شوند و افرادی که به کتابخانه‌ها مراجعه می‌کنند دیگر هدفشان امانت گرفتن کتاب‌ها نیست بلکه بیشتر خواندن دروس و مطالعه کتاب‌های خودشان است. به نظر بسیاری از کارشناسان کتابخانه‌های عمومی به‌جای آنکه پر از کتاب‌های مفید و همه‌فهم و مکانی برای «عامه مردم» شوند، به انباری از کتاب‌های تخصصی و غیرقابل مصرف تبدیل شده‌اند. در این زمینه «رضا اسماعیلی» شاعر و فعال در حوزه ادبیات می‌گوید: «طبیعی است که نهاد کتابخانه‌های عمومی باید قوانین و ضوابط خرید کتاب را به مولفان و ناشران اعلام کند که اگر این اطلاع‌رسانی دقیق صورت گیرد فضا بسیار تعدیل می‌شود و نویسندگان و مولفان تعامل سازنده‌ای با نهاد کتابخانه‌های عمومی خواهند داشت.» وی ادامه می‌دهد: «این نهاد در خرید کتاب‌ها در فضایی مبهم حرکت می‌کنند و همین مبهم بودن باعث نارضایتی نویسندگان و اما و اگرهای فراوان شده است.» وی معتقد است که در خرید کتاب‌ها باید عدالت فرهنگی حاکم باشد،

فهرست نامه ایران (کتابشناسی فهرست‌های دست‌نویس‌های اسلامی در کتابخانه‌های ایران)، به اهتمام حسین متقی و توسط کتابخانه مجلس شورای اسلامی به چاپ رسیده است. این کتاب در سه بخش: بخش نخست: مشتمل بر کلیات دستنویس‌های کتابخانه‌های ایران، بخش دوم: کتابشناسی مشترک فهراس دستنویس‌های اسلامی کتابخانه‌های ایران، بخش سوم: کتاب‌شناسی اختصاصی فهراس دستنویس‌های اسلامی در کتابخانه‌های ایران تألیف شده است.

بر پایه آمارها و تخمین‌ها ایران اسلامی، با دارا بودن صدها هزار دستنویس اسلامی و علمی، به زبان‌های عربی، فارسی، ترکی، اردو، پشتو و جز آنها، به لحاظ کمی و کیفی، پس از ترکیه، از جایگاهی برتر و تقریباً منحصر بفرد برخوردار است.

ایران، به لحاظ تاریخی، جزو پیش قراولان عرصه فهرست‌نگاری کتب، در جهان بوده است و با چشم‌پوشی از فهرست‌های کهن نگارش یافته در حوزه تمدنی اسلام در ایران، همچون فهرست‌های بیت‌الکتب ری یا دارالکتب فیروزآباد در قرن چهارم و پنجم یا فهرست‌های نوشته شده از سوی برخی دانشمندان برجسته، همچون سید بن طاووس (د. پس از ۶۵۶هـ) در قرون بعدی برای کتابخانه‌ای، بایستی ابتدای تاریخ مستند فهرست‌نگاری جدی در ایران را بایستی از دوره صفویه دانست.

شاید، نخستین فهرست موجود که مشخصاً برای نسخه‌های خطی یک کتابخانه در ایران نوشته شده است، مربوط به سال‌های میانی سلسله صفوی، یعنی، زمان شاه عباس اول (حک ۹۸۵-۱۰۳۸هـ) باشد که با عنوان فهرست کتب موقوفه به آستان قدس رضوی در سال ۱۰۲۲هـ

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
 صاحب امتیاز و مدیرمسئول: **سیدهادی خسروشاهی**
 دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مغانیه) / نبش ممتاز
 تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

مجموعه سایت‌های مرکز

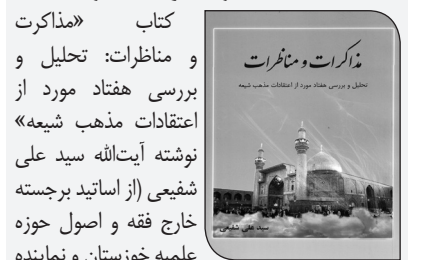
مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

معرفی کتاب

کتاب «مذاکرت و مناظرات»



مجلس خبرگان رهبری) از سوی انتشارات ناجی جزایری قم منتشر شد.

نویسنده در مقدمه کتاب می‌نویسد: «چاپ و نشر انواع و اقسام کتاب‌ها به زبان‌های مختلف، پخش و توزیع منشورات و کتاب‌های ضلال میان مسلمین و به خصوص میان زائران خانه خدا در مکه و مدینه در ایام حج و عمره به صورت رایگان، انتشار روزنامه‌ها و مجله‌ها در تیراژ وسیع، برنامه‌های گوناگون رادیویی و تلویزیونی، اعزام خطباء و مبلغان گمراه و گمراه کننده... در جهت متزلزل کردن عقیده‌ها و علاقه‌های دینی مردم، اینها همه و همه گوشه‌هایی از فعالیت‌های دشمن علیه عقاید مقدس اسلامی مذهبی بندگان خداست که روز به روز در حال افزایش و گسترش است... کتابچه‌ای که در پیش‌رو دارید گوشه‌ای از یک کار فرهنگی و عقیدتی است در برابر کارهای دشمنان دین و مذهب.»

محتویات این کتاب، برخی مناظرات و مذاکراتی است که میان آیت‌الله شفیعی و افرادی از پیروان مذاهب دیگر صورت گرفته است و برخی هم استدلال‌هایی است که در پاسخ به سؤالات و پرسش‌های جوانانی ارائه شده است که تحت تأثیر و یا ترس و هراس سایت‌های خبری و ماهواره‌ای قرار گرفته‌اند.

این کتاب از ۱۵ بخش تشکیل شده است که به بررسی و تحلیل هفتاد اعتقاد شیعه می‌پردازد: گفت‌وگو در مسجد النبی (تحلیل مسأله ازدواج موقت در اسلام)، گفت‌وگو در مسجد النبی، ارسال نامه از آمریکا، جوانی که از خارج کشور آمده بود، مذاکره پس از نماز مغرب و عشاء، حمله خلیفه دوم به خانه علی و زهرا و آتش زدن این خانه، جوان اهل سنت که به مذهب تشیع روی می‌آورد، جوانی در مسجد، آیا شیعیان قرآن را تحریف شده می‌داند، موضوع عید غدیر و حضور ۱۲۰ هزار صحابی، سؤال و جواب پس از نماز مغرب و عشاء، وصلت پیامبر و امامان شیعه با خلفاء و اتباع آنان، آیا امامان شیعه مردگاند؟ در مسجد الحرام، در منزل (سؤالات هفت‌گانه).

آیت‌الله شفیعی در این کتاب به بررسی شبهات و تبیین موضوعاتی چون ازدواج موقت، فلسفه عزاداری امام حسین، مسأله تقیه، حدیث لوح اخضر، علت غیبت امام زمان، فلسفه زیارت، مردگان و اهل قبور، فلسفه دعا، بوسیدن ضریح‌ها و در و دیوار حرم‌ها، تفاوت خلافت و امامت، عشره مبشره، حقانیت شیعه، مسأله موهوم تحریف قرآن، لزوم شناخت امام، مسأله بیعت، بیعت امام علی با خلیفه اول، ردای نمازهای یومیه و ... پاسخ داده است.

چاپ اول این کتاب در ۱۶۸ صفحه، تیراژ ۱۰۰۰ نسخه، قطع رقی و قیمت ۵۰۰۰ تومان از سوی انتشارات ناجی جزایری روانه بازار کتاب فرهنگ و دین شد.

معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

مقاومت در برابر نفوذ افراد و گروه‌های فرصت‌طلب و مانند آن بستگی دارد.

از آنجا که نتیجه‌بخش بودن مقاومت و صبر همراه توکل به خدا، در طول تاریخ پرفراز و نشیب انسان‌های مؤمن به اثبات رسیده است، امید است بیداری اسلامی در منطقه نیز به نتیجه‌ی نهایی خود برسد.

دُر نجف (زندگی و مبارزات آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر حکیم)

تاریخ انتشار: خرداد ۱۳۹۲

قیمت: ۳۰,۰۰۰ ریال

شمارگان: ۲۵۰۰

معرفی کتاب: در طول تاریخ تشیع شخصیت‌های وجود داشته و دارند که هم به لحاظ علمی و معنوی دارای مراتب و درجات رفیعی هستند و هم تلاش خستگی‌ناپذیری برای



احیای هویت شیعه و عزت بخشیدن به این اقلیت مظلوم کرده‌اند. خاندان حکیم از جمله خانواده‌های برجسته و پرنفوذ عراق است که از دیرباز خاستگاه شیعیان این کشور برای ایفای نقش در حوزه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بوده است. و در این راه شهدای زیادی را تقدیم کرده است. شهید آیت‌الله سید محمدباقر حکیم از جمله‌ی همین شهداست. شهیدی که سراسر عمر بابرکت خود را در راه مبارزه با ظلم در عراق گذراند: چه در ایران از طریق ارتباط مستقیم و مستمر با اسرای عراقی و چه در عراق به عنوان رئیس مجلس اعلای اسلامی. ویژگی دیگر آیت‌الله حکیم انس ایشان با قرآن کریم بود. ایشان از هر فرصتی برای خواندن قرآن استفاده می‌کرد. بررسی زندگی و ابعاد شخصیتی چنین بزرگوارانی از این جهت دارای اهمیت است که نوجوانان و جوانان از طریق آشنایی با سیره‌ی زندگی این گوهرهای کمیاب از آنها الگو گرفته و افق‌های جدیدی برای زندگی خود ترسیم کنند.

علما و اندیشمندان اسلامی از قبیل شهید مطهری، شهید مفتح و... در کارنامه‌ی ننگین این گروهک منحرف ثبت گردیده است.

حزب‌الله لبنان و بیداری اسلامی

تألیف: حمید پاشاپور یوالاری

تاریخ انتشار: اردیبهشت ۱۳۹۲

تعداد صفحات: ۲۹۲

شمارگان: ۲۰۰۰

معرفی کتاب: تجلیل و تحسین همراه با تواضع

ده‌ها تن از رهبران و متفکران آزاده‌ی کشورهای اسلامی از مقاومت حزب‌الله و سیدحسن نصرالله این پدیده را تا سطح یک الگوی جدید عربی اسلامی ارتقا داد. مقاومت حزب‌الله شرایط لازم برای ایجاد تغییرات و تحولات در مناسبات مردم مسلمان با رژیم‌های حاکم، که حامی شکل‌گیری خاورمیانه جدید به رهبری ایالات متحده و اسرائیل بودند، پدید آورد. بنابراین با توجه به تحولات صورت‌گرفته و تغییر ماهیت امواج جدید اسلامگرایی، تئوری‌ها و فرضیه‌های گذشته در منطقه‌ی عربی، موضوعیت خود را از دست داد و جهان شاهد ناکارآمدی تئوری‌های پیشین شد. امواج بیداری نوین بیش از هر زمان متوجه حاکمان اسرائیلی و حامیان آمریکایی آنهاست. انفجار چند باره‌ی خط انتقال گاز به اسرائیل، بازگشایی گذرگاه رفح و سردادن شعارهای ضد اسرائیلی و سقوط چندین دیکتاتور وابسته، از تأثیرات جنبش حزب‌الله در بیداری جدید ضدصهیونیستی است.

در حال حاضر ایالات متحده برای کنترل بحران‌های سیاسی - اجتماعی و گام برداشتن در مسیر خاورمیانه‌ی غیراسلامی به مکانیسم‌های مختلفی از جمله انحراف این جریان‌ها را رویکرد اسلامی متوسل شده است. امواج بیداری اسلامی در ابتدای راه و با مشکلات عدیده‌ای مواجه است و تداوم راه به شیوه‌ی مقاومت، هوشیاری نیروهای حاضر در صحنه، فراموش نکردن آرمان‌ها



ترکیب التقاط و ترور (بررسی عملکرد و اسناد گروه فرقان)

تألیف: محمدحسن روزی‌طلب

تاریخ انتشار: اردیبهشت ۱۳۹۲

قیمت: ۱۲۵,۰۰۰ ریال

شمارگان: ۲۰۰۰

معرفی کتاب: از میان

تمامی نیروهایی که با



رژیم پهلوی مبارزه می‌کردند، جریان مذهبی به رهبری امام خمینی توانست در یک رقابت ایدئولوژیک رژیم پهلوی را سرنگون کرده و نظام جمهوری اسلامی را تأسیس کند. در جریان نهضت امام خمینی احزاب و گروه‌های رقیبی نیز با حکومت پهلوی مبارزه می‌کردند که شاخص‌ترین آنها مارکسیست‌ها با سردمداری حزب توده و بعدها فدائیان خلق بودند. آنان مارکسیسم را علم مبارزه می‌دانستند و اعتقاد داشتند که تمامی انقلاب‌های جهان نشأت‌گرفته از تئوری‌های مارکسیستی است. از طرفی دیگر گروهی از روشنفکران که تحت تأثیر برخی متفکران به «اسلام منهای روحانیت» رسیده بودند، در پی تلفیق عناصری از مارکسیسم با اسلام برآمدند تا ضمن حفظ ظاهری اعتقادات خود از روش‌های مارکسیستی نیز در مبارزه با رژیم بهره‌جویند. این دسته از روشنفکران با تفاسیر سمبلیک از قرآن و حدیث، سعی در سازگار کردن تعالیم اسلامی و شرع مبین با یافته‌های اندیشمندان غربی داشتند.

گروه فرقان یکی از گروه‌های این جریان بود که توسط طلبه‌ای جوان بنیان‌گذاری شد. این گروه مروج شعار اسلام منهای روحانیت بود و روحانیت اصیل شیعی را نهاد تزویر در سنت اسلامی می‌دانست. این اثر با مرور چگونگی تشکیل شدن گروه فرقان در سال ۱۳۵۵ و زمینه‌های به وجود آمدن و اقدامات تروریستی این گروه در مصاد با انقلاب اسلامی و ملت ایران می‌پردازد. ترور کردن و به شهادت رساندن برخی از

استخاره مجازی منزلت استخاره به قرآن را به حد تفأل تنزل می‌دهد

نظر می‌رسد به افکار و اعتقادات کاربر هم لطمه وارد می‌شود و می‌تواند آسیب‌پذیری بیشتری داشته باشد.

وی یادآور شد: تقویت اعتقادات و دانش دینی می‌تواند سهم خوبی در مردم داشته باشد و اگر کاربران و کسانی که استخاره می‌کنند به مبانی دینی اعتقادی داشته باشند و به تقویت آن بپردازند، قطعاً سطح معارف و دانش‌شان بالا می‌رود و نسبت به استخاره مجازی گرایش کمتری می‌یابند.

مدیر پایگاه حوزه گفت: سازوکار مسائل دینی و قرآنی باید برای کاربران تفهیم شود و آنها ارتباطات خود را نسبت به این مسائل بیشتر کنند و در نهایت شاهد کاربران کمتری به استخاره مجازی می‌شویم.

آنکه چنین آدابی رعایت نمی‌شود، سازگار با آموزه‌های دینی نیست. مدیر پایگاه حوزه تصریح کرد: قبل از انجام استخاره باید وضو گرفت و نماز خواند و ذکرهایی را بیان کرد، اما در استخاره آنلاین چنین مسئله‌ای رعایت نمی‌شود و نگاه به استخاره همچون فال حافظ می‌شود. وی بیان کرد: استخاره جنبه حاشیه‌ای در زندگی دارد و چه برسد به آنکه بخواهیم از طریق فضای مجازی آن را پیگیری کنیم. بنابراین استخاره آنلاین نمی‌تواند پشتوانه دینی داشته باشد.

حجت‌الاسلام اکبری اظهار کرد: اگر یک عمل که پشتوانه دینی دارد، بنا باشد با یک سیستم الکترونیک تفالی شود، آنقدر قدر و منزلت آن پایین می‌آید که به

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد اکبری، مدیر پایگاه حوزه درباره راه‌اندازی بخشی با عنوان استخاره اینترنتی در برخی از سایت‌ها اظهار کرد: استخاره به عنوان اصل اولیه، ضرورتی در زندگی ندارد و در درجه اول آنچه که مهم بوده داور درونی و پیامبر درونی است که خداوند در وجود انسان قرار داده است. اگر انسان پس از مراجعه به عقل، درباره تصمیمی به جایی نرسید، می‌تواند از اصل استخاره بهره‌مند شود. اما استخاره مسأله‌ای نیست که به عنوان تکلیف نهایی مشخص باشد.

وی افزود: استخاره در آموزه‌های دینی آدابی دارد و فاعل باید قبل از انجام آن آدابی را انجام دهد و سپس به امر استخاره بپردازد بنابر این در استخاره آنلاین به دلیل

با کسب اکثریت مطلق آراء؛

حجت الاسلام دکتر حسن روحانی رییس جمهور شد

دارد و علاوه بر ریاست کمیسیون سیاسی و امنیتی و دفاعی مجمع، ریاست مرکز تحقیقات استراتژیک این نهاد نیز بر عهده اوست.

حجت الاسلام حسن روحانی در انتخابات میان‌دوره‌ای سومین دوره مجلس خبرگان رهبری در ۲۹ بهمن ۱۳۷۸ از حوزه انتخابیه استان سمنان به نمایندگی مجلس خبرگان رهبری انتخاب شد و در سال ۱۳۸۵ نیز از استان تهران به این مجلس راه یافت و در حال حاضر ریاست کمیسیون سیاسی و اجتماعی این مجلس را بر عهده دارد.

وی با تصدی ۱۶ ساله مسئولیت دبیرخانه شورایعالی امنیت ملی، در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخی مسئولیت پرونده هسته‌ای کشورمان را بر عهده داشت.

خاتم‌الانبیاء و فرماندهی پدافند هوایی کل کشور را برعهده داشت و بین سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۸ نیز به معاونت جانشین فرماندهی کل قوا منصوب شد.

وی به پاس سال‌ها حضور در مسئولیت‌های مختلف در دوران دفاع مقدس، از سوی مقام معظم رهبری مفتخر به دریافت نشان درجه دو فتح و نشان درجه یک نصر شد.

دکتر روحانی پس از بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تشکیل نهاد شورایعالی امنیت ملی سمت نمایندگی مقام معظم رهبری در این شورا را بر عهده گرفت و ۱۳ سال نیز به عنوان مشاور امنیت ملی رؤسای جمهور سابق انجام وظیفه کرده است.

وی از سال ۱۳۷۰ به عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام درآمد و تاکنون نیز در این سمت فعالیت

ادامه از صفحه اول

دکترحسن روحانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اولین اقدام در سال ۵۸، به ساماندهی وضعیت ارتش و پادگان‌های نظامی پرداخت و در سال ۵۹ ردای نمایندگی ملت در مجلس شورای اسلامی را بر تن کرد و پنج دوره قانونگذاری (به مدت ۲۰ سال) را در کارنامه خود ثبت کرد.

عضویت و ریاست شورای سرپرستی سازمان صدا و سیما از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۲ از دیگر مسئولیت‌های وی در دوران پس از انقلاب بوده است.

حجت الاسلام روحانی در دوران جنگ تحمیلی مسئولیت‌های متعددی از جمله عضویت در شورایعالی دفاع، عضویت در شورایعالی پشتیبانی جنگ، معاونت فرماندهی جنگ، ریاست ستاد قرارگاه مرکزی